



تحليل تئوريك مسائل روابط بين الملل
بر پایه اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای

تالیف: محمد ملک‌زاده

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

فهرست مطالب

مقدمه	۵
فصل اول: مفاهیم و بنیادهای نظری	۷
۱. مبانی دینی اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای	۸
۱-۱. مبانی روش‌شناسی	۸
۱-۲. مبانی معرفت‌شناسی	۸
۱-۳. مبانی انسان‌شناسی	۱۰
۱-۴. مبانی هستی‌شناسی	۱۴
۲. اصول روابط بین‌الملل اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای	۱۹
۲-۱. روابط مسلمانان با یکدیگر	۱۹
۲-۲. روابط مسلمانان با غیر مسلمانان غیر متخاصم	۲۰
۲-۳. روابط مسلمانان با غیر مسلمانان متخاصم	۲۳
فصل دوم: ساختار روابط بین‌الملل	۲۸
۱. قطب سلطه‌گر و تمامیت‌خواه	۲۹
۲. قطب سلطه‌پذیر و وابسته	۳۲
۳. قطب مخالف سلطه و عدالت‌خواه	۳۲
فصل سوم: کارگزاران نظام بین‌الملل	۳۵
۱. سازمان‌ها، نهادها و مجامع دولتی در روابط بین‌الملل	۳۶
۲. بازیگران غیر دولتی	۴۷
فصل چهارم: قدرت در روابط بین‌الملل	۵۰
۱. عوامل و عناصر قدرت در روابط بین‌الملل	۵۱
۲. قدرت نامشروع در روابط بین‌الملل	۵۳
۲-۱. نظام سلطه، استکبار و قدرتهای سلطه‌گر	۵۴
۲-۲. نظام‌های استبدادی و غیر مردمی	۵۴

۳. راهکارهای مقابله با قدرت نامشروع در روابط بین‌الملل ۵۵

۳-۱. استحکام ساخت داخلی ۵۵

۳-۲. تجهیز به سلاح علم ۵۶

۳-۳. دشمن‌شناسی ۵۶

۳-۴. تقویت وحدت و همگرایی ۵۷

فصل پنجم: نظام آرمانی در روابط بین‌الملل ۵۸

۱. نظم مطلوب جهانی در چهارچوب همگرایی در روابط بین‌الملل ۶۰

۲. نظم مطلوب جهانی در چشم‌انداز تحقق تمدن نوین اسلامی ۶۱

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۶۳

مقدمه

در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران، رهبر انقلاب با قرار گرفتن در رأس هرم قدرت سیاسی، نقشی بی‌همتا و جایگاهی از بالاترین درجه اهمیت را داراست. طبق اصل یکصد و هفتم قانون اساسی: «رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت». این جایگاه ویژه، ضرورت فهم و تحلیل دیدگاه‌های سیاسی و حکومتی رهبری را — برای مردم و سیاستمداران داخلی و خارجی — دوچندان می‌کند.

روابط بین‌الملل در علم سیاست، به مجموعه اقدامات و کنش‌های متقابل واحدهای حکومتی و نهادهای غیر دولتی و همچنین روندهای سیاسی میان ملت‌ها اطلاق می‌گردد. بر اساس این تعریف، روابط بین‌الملل را می‌توان به روابط موجود میان ملتها، دولت‌ها، حکومتها و سازمان‌های بین‌المللی اطلاق نمود که دربردارنده تمامی داد و ستدها و تعاملات اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی بین واحدهای سیاسی (دولتها) و سازمان‌های بین‌المللی، شرکتهای چند ملیتی و مؤسسات غیردولتی می‌باشد. بررسی دیدگاه یک اندیشمند درباره موضوع روابط بین‌الملل به معنای تجزیه و تحلیل مسائل این علم اعم از اقدامات متقابل میان ملتها و بازیگران بین‌المللی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، نظامی، زیست محیطی و سایر موضوعات حیات بشری در اندیشه سیاسی آن اندیشمند می‌باشد. گرچه به دلایلی چون ناهمگونی یا یکسان نبودن جامعه بین‌الملل، تعدد متغیرها، وجود بازیگران گوناگون اعم از حکومتی و غیر حکومتی در نظام بین‌المللی، دگرگونی مداوم در شرایط نظام بین‌الملل، قابل سنجش نبودن بسیاری از عوامل، مخفی کاری و در اختیار نداشتن اطلاعات محرمانه و عوامل گوناگون دیگر، مطالعات و بررسی‌های علمی بسیاری از مسائل روابط بین‌الملل و تجزیه و تحلیل دقیق آنها برای غالب افراد به سادگی امکان‌پذیر نیست؛ اما یک اندیشمند دینی و سیاسی به پشتوانه منظومه فکری خویش قادر است بحران‌ها و نواقص موجود را به درستی درک نماید و با استدلال عقلانی و منطقی به ارائه نظر پیرامون مسائل موجود پرداخته و درصدد حل بحران‌های گوناگون و رفع کمبودها و نواقص موجود برآید. از سوی دیگر، تولید علوم اسلامی در شاخه‌های مختلف از جمله در حوزه سیاست و نظریات اندیشمندان سیاسی و دینی، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با پررنگ‌تر شدن نقش دین در عرصه جوامع بشری، ضرورتی است که بر انجام تحقیقاتی از این دست تاکید می‌نماید. از این رو پژوهش حاضر به بررسی رهیافت اسلامی با محوریت دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره موضوع روابط بین‌الملل و مسائل آن اختصاص یافته است. تلاش نگارنده در این پژوهش، بررسی و نقد روابط بین‌الملل موجود همراه با ارائه وضعیت مطلوب از دیدگاه رهبر

جمهوری اسلامی ایران است. بدیهی است درک دیدگاههای سیاسی و حکومتی این اندیشمند سیاسی و دینی، به دلیل قرار گرفتن ایشان در راس هرم قدرت سیاسی ایران، برای مردم و سیاستمداران داخلی و خارجی بسیار حائز اهمیت و راهگشا می‌باشد. بررسی مجموع دیدگاهها و نظرات آیت‌الله خامنه‌ای در عرصه سیاست و حکومت، نشان از وجود یک منظومه فکری و دکترین سیاسی منسجم، نظام‌مند و مستقل داشته و توانمندی ایشان در تجزیه و تحلیل دقیق مسائل داخلی و بین‌المللی را ثابت نموده است.

مطالعه بیانات و موضع‌گیری‌های ایشان در تعاملات خارجی و بین‌المللی نشان می‌دهد که هسته مرکزی این دکترین سیاسی بر مخالفت با نظام سلطه و الگوهای سلطه‌جویانه قدرت‌های استکباری استوار است؛ مخالفتی که با راهبرد افزایش اقتدار و استقلال کشورهای اسلامی و در رأس آن، تقویت اقتدار جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود. این رویکرد، ضمن حفظ تعاملات سازنده در جهان اسلام و عرصه بین‌الملل، بر اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت پای‌بند است.

آیت‌الله خامنه‌ای، در جایگاه رهبر جمهوری اسلامی ایران و پیشوای امت اسلامی، تعاملات کنونی نظام بین‌الملل را ظالمانه و تحت سلطه نظام استکباری می‌داند و با صراحت، مخالفت دائمی خویش را با این وضعیت اعلام کرده است. ایشان راه‌هایی ملت‌ها و رفع مشکلات موجود را، در مقاومت مقابل ساختار ظالمانه حاکم و دستیابی به اقتدار و استقلال سیاسی می‌بیند. از این رو درک دقیق اندیشه و دکترین سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، چشم‌اندازی روشن از استراتژی ایشان در حوزه روابط بین‌الملل و نحوه مواجهه با تعاملات جهانی، در چارچوب نظام بین‌الملل، ارائه می‌دهد.

نتایج این تحقیق با توجه به هیاهوی تبلیغاتی رسانه‌های غربی و دشمنان اسلام و تشیع که سعی دارند چهره جهان اسلام و گفتمان اسلام سیاسی را بر اساس دیدگاه‌های انحرافی از اسلام و تهمت زدن به تشیع در محافل آکادمیک و افکار عمومی مخدوش سازند، می‌تواند زمینه طراحی مدلی از اسلام سیاسی - شیعی در روابط بین‌الملل را بوجود آورد. در این راستا به اعتقاد نگارنده، دیدگاه‌های مقام معظم رهبری دارای ظرفیت گسترده‌ای برای طراحی مدلی از روابط بین‌الملل اسلامی است.

در مجموع در پژوهش حاضر با هدف مطالعه و بررسی، تبیین و توصیف اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، به تدوین و ارائه منظومه فکری ایشان پیرامون مسائل و موضوعات روابط بین‌الملل و راهکارهای مقابله با نواقص و بحران‌های موجود در این عرصه خواهیم پرداخت.

فصل اول: مفاهیم و بنیادهای نظری

۱. مبانی دینی اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یک اندیشمند اسلامی، دارای اندیشه‌های سیاسی مبتنی بر دین با ابعاد گوناگون آن می‌باشد:

۱-۱. مبانی روش‌شناسی

روش‌شناسی به معنای روش‌ها و شیوه‌هایی است که انسان برای شناخت جهان و محیط پیرامون خود بکار می‌برد. برای شناخت روابط بین‌الملل در جهان بینی اسلامی از مجموع روش‌های کاربردی در علوم فقه و اصول، اخلاق، کلام، فلسفه و عرفان و سایر ابزارهای شناخت می‌توان استفاده کرد. منابع مورد استفاده این علوم همان منابع چهارگانه در اسلام (کتاب و سنت، اجماع و عقل) می‌باشند. با توجه به اعتقاد تشیع به اصل اجتهاد و نقش مقتضیات زمان و مکان در آن، بدیهی است که امکان تغییر و تحول در شیوه و روش شناخت در شرائط متغیر زمان و مکانی به ویژه در حوزه‌هایی که احکام چهارگانه شرعی (واجب، مستحب، حرام و مکروه) وجود نداشته و به اصطلاح فقهی «منطقه الفراغ» نامیده می‌شود، امکان پذیر خواهد بود. آیت‌الله خامنه‌ای با تاکید بر مفهوم اجتهاد، فقه پویا را همان فقه سنتی می‌داند که بر طبق اجتهاد مصطلح علاج‌کننده مشکلات انسان و پاسخگوی حوادث واقع است.^۱ اجتهاد مصطلح نیز از دیدگاه ایشان، یک متد، روش و یک طریقه فهمیدن و کیفیتی در مشی به سمت حقیقت است.^۲ ایشان با همین روش به تحلیل مسائل انقلاب اسلامی و روابط بین‌الملل می‌پردازد.

۲-۱. مبانی معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی دانشی است که شناخت‌های انسان نسبت به مسائل مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهد و انواع آنها و درست و نادرست بودن آنها و همچنین معیار درستی و صحت آنها را بیان می‌کند.^۳ اینکه آیا برای انسانها امکان شناخت واقعی وجود دارد یا خیر؛ این شناخت در مورد چه چیزهایی است و چگونه حاصل می‌شود و... از جمله سوالاتی است که در حیطه معرفت‌شناسی می‌گنجد. در جهان بینی اسلامی و به طبع آن دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، انسان دارای امکان شناخت و معرفت حقیقی است؛ انسانها قادرند به مراتب و انواع واقعیتهای اعم از واقعیتهای مادی و محسوس و یا ماوراء مادی دست یابند. در این میان، از

^۱ بیانات در دیدار مدرّسان، فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد، ۱۳۶۸/۴/۲۰؛ <https://khl.ink/f/۲۱۳۷>

^۲ بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹/۱۱/۴، <https://khl.ink/f/۲۴۱۴>

^۳ غلام رضا فیاضی، درآمدی بر معرفت‌شناسی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶، ص ۲۵.

جمله متعلق‌های شناخت انسان، معرفت جوامع انسانی و روابط میان انسانها در نظام بین‌الملل است. جوامع بشری از قوانین و سنن خاصی پیروی می‌کنند که خارج از اراده و اختیار انسانها نیست. مطالعه جوامع انسانی و روابط بین‌الملل و آگاهی یافتن از ماهیت، عملکرد و کارکرد آن از جمله مصادیق معرفت شناسی می‌باشد که می‌تواند از طرق مختلف معرفت حسی، عقلی و شهودی حاصل گردد.

بطور کلی برای آگاهی از مبانی معرفت شناسی یک اندیشمند، از چند شیوه می‌توان بهره گرفت:

۱-۲-۱. شناخت مکتب معرفتی و روش فکری

در این شیوه مکتب معرفتی و روش فکری اندیشمند مورد بررسی قرار می‌گیرد تا معلوم شود وی وابسته به کدام نحله یا مکتب معرفتی است. مبانی معرفتی آیت‌الله خامنه‌ای در جایگاه یک متفکر مسلمان شیعه، از یک سو در قالب وحی گرایي و از سوی دیگر در قالب عقل گرایی یا برهان نگری قابل شناخت و بررسی است.

۲-۲-۱. شناخت ابعاد فکری و زوایای مختلف اندیشه

در این شیوه باید بررسی شود چه تفکرات و اندیشه‌هایی در ذهنیت متفکر دارای نقش محوری است. اندیشه‌های گوناگون فلسفی، کلامی، فقهی، اصولی، تفسیری، عرفانی، سیاسی، تاریخی و موضوعات مختلف دیگر در این تقسیم بندی جای می‌گیرند. در خصوص آیت‌الله خامنه‌ای مجموعه‌ای از اندیشه‌های فوق را می‌توان مورد بررسی قرار داد اما پژوهش حاضر بیشتر بر اندیشه‌های سیاسی- دینی ایشان متمرکز خواهد گردید.

۳-۲-۱. شناخت منابع و ابزار معرفت

در این شیوه برخی به اصحاب وحی و نقل، برخی به اصحاب عقل و برهان، برخی به اصحاب قلب و شهود (عرفا) و برخی دیگر به اصحاب حس و تجربه تقسیم می‌شوند. این شیوه شناخت، تا حدودی دو شیوه قبلی را نیز دربر دارد و شاید دقیق‌ترین شیوه برای شناخت مبانی معرفت شناسی یک اندیشمند باشد. زیرا به تعبیر شهید مطهری: «دنیا، دنیای مکتب و ایدئولوژی است. مکتب و ایدئولوژی بر پایه جهان بینی است و جهان بینی بر پایه شناخت»^۱ اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر جهان بینی و نوع نگرش ایشان بر جهان و انسان مبتنی است که تابع همین شناخت و معرفت می‌باشد. مطالعه اندیشه‌های

^۱ مرتضی مطهری، مسأله شناخت، تهران، صدرا، ۱۳۶۷، ص ۱۶.

سیاسی-الهی ایشان نشان می‌دهد که در نگاه رهبر انقلاب، مجموعه‌ای از وحی، فطرت، قلب و عقل و حس انسان به عنوان منابع شناخت مطرح می‌باشند. ایشان منبع اساسی شناخت را وحی الهی می‌داند که به وسیله انبیا از جانب خداوند برای انسانها فرستاده شده تا بشر نسبت به حق تعالی و سایر حوزه‌هایی که عقل بدون ارجاع به وحی، امکان دسترسی به آنها را ندارد، معرفت پیدا کند. در جهان بینی معرفتی آیت‌الله خامنه‌ای، عقل و وحی مکمل هم بوده و با هم ارتباط متقابل دارند؛ و لذا ایشان شرط فقیه جامع شرایط را در دوران کنونی علاوه بر شرائطی که در گذشته بود، شرط هوشمندی و هوشیاری و آگاهی دقیق از جامعه امروزی می‌داند تا بتواند با مراجعه به کتاب و سنت، احکام مربوط به نیازهای روز جامعه را به صورت قطعی و یقینی استنباط کند؛ زیرا از دیدگاه ایشان، اجتهاد در شیعه به معنای تکیه به ظنون غیر معتبر نیست.^۱ با توجه به این، در خصوص ابزارهای شناخت در مبانی معرفت شناختی آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان نتایج مشخصی ارائه داد زیرا بطور منطقی میان منابع شناخت و ابزار آن تناسب و هماهنگی وجود دارد. منابع بدون ابزار متناسب با آنها، فاقد فعلیت و کاربرد است و ابزارهای شناخت نیز بدون منابع معرفتی مناسب فاقد کارایی خواهد بود. در این صورت می‌توان گفت با توجه به منابع معرفت شناسانه رهبر انقلاب که شامل وحی، عقل، حس (تجربه) و قلب می‌باشد، ابزارهایی متناسب با اینها در مقوله سیاست و حکومت و چگونگی تعامل با نظام بین‌الملل نیز قابل ذکر می‌باشد که از جمله آنها آگاهی به مسائل مختلف این نظام و روابط بین‌الملل در دنیای امروز است.

۱-۳. مبانی انسان‌شناسی

مباحث مربوط به حوزه انسان‌شناسی قابل تفکیک از مباحث حوزه سیاست و حکومت و روابط بین‌الملل نیست؛ از این رو با توجه به مبانی انسان‌شناسی یک متفکر می‌توان اندیشه‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی وی را شناسایی نمود. پاسخ به سؤالاتی پیرامون مبدا، پیدایش و تکوین انسان، غایت و هدف او، و سؤالاتی از این دست، رویکرد انسان‌شناسانه یک اندیشمند نسبت به مسائل سیاسی را مشخص می‌سازد. اندیشمندان از زوایای مختلف علمی، فلسفی، عرفانی، الهی و ابعاد مختلف دیگر تلاش می‌کنند ذات انسان را مورد شناسایی و تبیین قرار دهند. برخی با کاوش در ذات و حقیقت انسان و تلاش برای شناخت این حقیقت و برخی دیگر با بررسی ابعاد روحی و روانی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و حقوقی انسان به تعریف و توصیف انسان روی آورده‌اند. اندیشمندان مسلمان نیز با تمسک به آیات الهی تلاش

^۱ بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹، <https://khl.ink/f/۱۰۳۵۷>.

نموده‌اند انسان را در جهان بینی توحیدی مورد مطالعه و شناخت قرار دهند. آیت‌الله خامنه‌ای با رویکردی جامع به تبیین و توصیف ابعاد و جنبه‌های گوناگون انسان پرداخته است. مبانی انسان شناسی آیت‌الله خامنه‌ای الهام گرفته از «انسان شناسی الهی» است که در آن، مبداء و مقصد انسانها به خدا باز می‌گردد؛^۱ در این جهان بینی جایگاه انسان در عالم هستی، ابعاد وجودی انسان، غرایز انسان، عقل و نفس او و ... با رویکرد الهی تبیین و تفسیر می‌گردد. جهان بینی الهی انسان را موجودی آزاد از قید و بندهای مادی و در عین حال تحت امر فرامین الهی قرار می‌دهد بر همین اساس نگاه به سیاست و مسائل سیاسی مورد نظر در این جهان بینی دارای ویژگی‌های دینی و الهی است در حالی که در جهان بینی مادی انسان بالاصاله موجودی آزاد و مستقل از همه چیز و در حقیقت اسیر بند شهوات و غرایز حیوانی است و لذا نظام سیاسی مورد نظر در این جهان بینی نیز کاملاً متمایز از جهان بینی الهی می‌گردد. بر همین اساس از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، امام و رهبر انسانها باید فردی انسان شناس باشد فردی که امکانات و استعدادها و خصلت‌های بشر را بشناسد تا بتواند او را در مسیر کمال هدایت کند:

رشد دادن انسان محتاج این است که آن کسی که می‌خواهد رشد بدهد او امکانات و استعدادها و خصلت‌های بشر را بشناسد اگر نشناسد نمی‌تواند رشد بدهد. علت اینکه در حکومت طاغوتها و زیر هدایت گمراهان جوامع بشری سقوط می‌کنند این است که آن گمراهان نمی‌توانند بشر را درست بشناسند. قدرتهایش را بشناسند و درست آنها را رشد بدهند. بعلاوه که انگیزه‌های صحیح و الهی هم در آنها نیست. لذا خراب هم می‌کنند، عمداً هم گاهی خراب می‌کنند، اولیاء غیر الهی این جواری اند. بشر را هم نمی‌شناسند. اگر بشناسند هم اطمینان نیست که بتوانند او را آنچنان که مصلحت او است و در خط درست است رشد بدهند.^۲

در بررسی مبانی انسان شناسی آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان به اصول متعددی اشاره کرد از جمله این اصول عبارتند از:

۱-۳-۱. فطرت الهی انسان

از مهم‌ترین اصول بنیادی انسان شناختی آیت‌الله خامنه‌ای، اعتقاد به فطرت الهی انسان است. انسان دارای دو بعد مادی و معنوی، یا جسمانی و روحانی است که از دیدگاه بزرگان دین هر کدام دارای ویژگی‌های

^۱ انا الله و انا الیه راجعون؛ بقره: ۱۵۶.

^۲ رک: آیت الله خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۱.

خاص به خود می‌باشد. به تعبیر امام خمینی(ره) نفس و ذات انسان بر اساس فطرت الهی، خود بالقوه واجد کلیه معارف و ملکات حسنه و بر پایه غریزه حیوانی (بعد جسمانی) دارای ملکات سیئه و خبیثه بالقوه است.^۱ انسانها به حکم فطرت الهی و خداجویانه خود فارغ از هر مسلک و مرامی که داشته باشند به سوی حقیقت جویی، حق طلبی، عدالتخواهی و ظلم ستیزی گرایش دارند. آیت‌الله خامنه‌ای با خوش‌بینی به ذات بشر، سرشت اولیه انسانها را شامل فطرت توحیدی می‌داند که به واسطه آن، روی به خداشناسی و عبودیت الهی می‌آورند اما این فطرت می‌تواند تحت تاثیر فتنه‌های زمانه که از جمله آنها نقش قدرتهای سلطه‌گر می‌باشد، دگرگون شود.^۲

۱-۳-۲. آزادی و اختیار انسان

خداوند خلقت انسانها را بر مبنای موجوداتی آزاد و مختار قرار داده و امکان گرایش آزادانه آنان را به ملکات حسنه و یا سیئات فراهم کرده است. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، سعادت هر انسانی در این است که مقصد خود را بشناسد و رفتار اختیاری خود را با آن تطبیق دهد.^۳ ایشان آزادی و اختیار بشر در ابعاد مختلف آن را عامل رشد و تکامل انسان در این دنیا می‌داند؛ از این رو اسلام با آزادی‌های بشر فی نفسه مخالفتی ندارد:

اسلام علی‌الاصول با این مطلب [آزادی اظهار عقیده و بیان] مخالفتی ندارد. اظهار عقیده یکی از حقوق طبیعی انسان است. وقتی انسان یک عقیده‌ای را دارد و آزاد است که این عقیده را داشته باشد، باید آزاد هم باشد که این نظر خودش را اظهار کند؛ مگر اینکه خود آن اعتقاد یک اعتقاد ممنوعی باشد... اساساً هم به نفع جامعه اسلامی است که افکار آزاد باشد؛ یعنی کسانی بتوانند افکار خودشان را، نظرات گوناگون خودشان را بیان کنند. در قانون اساسی ما پیش‌بینی شده که برخورد سالم افکار موجب رشد اندیشه‌هاست. یعنی کسی یک نظری دارد، دیگری نظر مخالف با او دارد. یک برخورد فکری به وجود بیاید، اما سالم؛ نه توأم با روش‌های غلط... کلاً رشد فکری جامعه در این صورت بیشتر تضمین می‌شود و تأمین می‌شود و آثار اجتماعی و سیاسی‌اش هم در جامعه زیاد است. اگر چنانچه کسانی احساس کنند که نظرات خودشان را می‌توانند بیان بکنند، جامعه به طرف سالم‌سازی و وحدت هم پیش می‌رود. چون آن افکار را می‌گویند، کسانی هم آنها را جواب می‌دهند، نظرات به هم نزدیک می‌شود؛ اختلاف‌نظرهایی که ناشی از نگفتن و کتمان

^۱ رک: امام خمینی، شرح چهل حدیث، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵.

^۲ بیانات در مراسم میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) در دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۶۵/۸/۲۸، <https://khl.ink/f/۳۰۵۲۰>.

^۳ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۵/۷/۱۸، <https://khl.ink/f/۲۸۱۵>.

کردن و پوشیده داشتن از یکدیگر هست، بتدریج کم می‌شود و از بین می‌رود. شکل کلی قضیه این است.^۱

با این وجود آیت‌الله خامنه‌ای آزادی به معنای بی بند و باری در فرهنگ غربی را نه عامل رشد و تکامل که موجب سقوط انسان می‌داند و بر تفاوت‌ها و مرزبندی‌های میان این دو آزادی در فرهنگ غربی و فرهنگ اسلامی تاکید می‌کند.^۲

۱-۳-۳. خلقت اجتماعی انسان

یکی دیگر از اصول انسان شناختی بشر، اجتماعی بودن آن می‌باشد. خداوند متعال انسانها را موجوداتی اجتماعی آفریده است. بر اساس جهان بینی اسلامی، انسانها نه به حکم اضطرار بلکه به طور طبیعی و فطری زندگی اجتماعی را انتخاب نموده‌اند؛ زیرا خداوند انسانها را با قابلیت‌ها و استعداد‌های متفاوت خلق نموده تا در یک زندگی اجتماعی مکمل هم باشند و نیازهای یکدیگر را برآورده سازند. در این جهان بینی هم فرد و هم جامعه دارای اصالت می‌باشند زیرا هویت جامعه جدا از هویت افراد نیست. اجتماعی بودن انسان در کنار آزادی و اختیار وی، سبب گردیده تا جوامع بشری در اثر روابط میان انسانها با یکدیگر، به صحنه رویارویی و ستیز نیروهای خیر و شر و حق و باطل تبدیل گردند. یکی از جلوه‌های آشکار مبارزه نیروهای خیر و شر در سطح جهانی، جدال انسانهای خداجوی و حق طلب در برابر نیروهای ظالم و مستکبر در نظام بین‌الملل است. این جدال در نهایت به سود جبهه حق در برابر قدرت‌های بزرگ جهانی پایان خواهد یافت.^۳

۱-۳-۴. فرجام نیک انسان

در جهان بینی اسلامی، با توجه به غایت‌مندی حیات اجتماعی انسان، فطرت الهی او و هدایت تکوینی و تشریعی خداوند، جامعه انسانی در مسیر هدایت و اصلاح و رستگاری در حرکت است. فرجام حیات اجتماعی بشر در نظام بین‌الملل، غلبه انسانهای خداجوی، متقی و حقیقت طلب بر نیروهای شیطانی و باطل است و در نهایت به همگرایی و وحدت انسانها تحت حاکمیت امام معصوم(ع) و لقاء الی الله منتهی خواهد شد.^۴

^۱ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۲/۴، <https://khl.ink/f/21493>.

^۲ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹، <https://khl.ink/f/21488>.

^۳ بیانات در حرم مطهر حضرت معصومه به مناسبت روز نیمه شعبان، ۱۳۶۲/۳/۷، <https://khl.ink/f/49832>.

^۴ ر.ک: بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز عید سعید فطر در مصالای امام خمینی(ره)، ۱۳۷۴/۱۲/۱.

<https://khl.ink/f/2785>؛ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار عمومی، ۱۳۷۵/۷/۱۸، <https://khl.ink/f/2815>.

آیت‌الله خامنه‌ای در بیاناتی به مناسبت سالروز میلاد امام زمان (عج) چنین فرجامی برای آفرینش جهان و انسان ترسیم می‌کند، هرچند قدرتهای مستکبر جهانی مخالف آن باشند:

همه بدانند و همه اذعان و باور کنند که حرکت عالم به سمت صلاح و به سمت آفاق روشن است. مستکبران عالم هرچه می‌خواهند، بگویند؛ تظاهر به قدرت‌نمایی بکنند؛ اما لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشریت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش می‌برد، روزبه‌روز در حال افزایش یافتن است. گذشت سالها نمی‌تواند این امید را در دلها از بین ببرد یا کم‌فروغ کند که در آینده - که امیدواریم آن آینده چندان دور نباشد - همه آحاد بشر طعم عدالت را به معنای واقعی کلمه خواهند چشید. حقانیت آن دولت الهی و حکومت ربوبی در زمین در این است که همه آحاد بشر سهم خود را از معرفت حقیقت و عمل به حقیقت خواهند گرفت. قدرتمندان و مستکبران و زورگویان و زراندوزان و زورمداران عالم هرچه تلاش کرده‌اند و بکنند، نخواهند توانست این حرکت و این رفتار طبیعی بشر را به سمت صلاح متوقف کنند.^۱

۱-۴. مبانی هستی‌شناسی

مبانی هستی‌شناسی به نوع نگاه یک اندیشمند، مکتب و یا یک نظریه به آغاز و فرجام هستی می‌پردازد. به بیان دیگر نوع نگاه و رویکرد انسان به جهان و هستی را می‌توان در بحث هستی‌شناسی مورد بررسی قرار داد. چگونگی این رویکرد نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری منظومه فکری و نظام معرفتی انسان و کنش و رفتار وی در جهان دارد. آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین هستی‌شناسی الهی می‌فرماید:

تفسیر انسان، تفسیر تاریخ، تحلیل حوادث حال و گذشته و آینده، تفسیر طبیعت، تبیین همه علائقی که انسان را با دنیای بیرون از وجود او؛ جهان، انسانها، اشیاء، مرتبط می‌کند و نیز فهم و درک آدمی از وجود خود و خلاصه، همه چیزهایی که نظام ارزشی جامعه را می‌سازد و آن را بر اداره مطلوب خود قادر می‌کند، همه و همه از جهانبینی الهی ریشه و مایه می‌گیرد و منشعب می‌شود. در اندیشه الهی اسلام، همه هستی آفریده خدا و جلوه‌گاه علم و قدرت او و پوینده بسوی اوست و انسان برترین آفریده و جانشین اوست. ... دنیا کشتزار آخرت است و مرگ نه پایان زندگی که دروازه ابدیت و سرآغاز نشئه‌ی جدید. در اندیشه الهی اسلام، افراد بشر، برادران و خواهران یکدیگر و همه بندگان خدایند. میان نژادها، رنگ‌ها، مردم سرزمین‌ها، هیچ تفاوتی نیست و اینها

^۱ بیانات در سالروز میلاد امام زمان (عج)، ۱۳۷۹/۸/۲۲، ۳۰۳۴، <https://khl.ink/f/۳۰۳۴>.

مایه برتری کس یا ملتی نیست. انسانیت پیوسته است و تعرض به یک انسان، تجاوز به همه انسانیت است، بدون دخالت خصوصیات جغرافیایی و نژادی.^۱

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های جهان بینی توحیدی که هستی‌شناسی اسلامی و به تبع آن اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر آن است به شرح زیر می‌باشد:

۱-۴-۱. اختصاص حاکمیت به خداوند

در جهان‌بینی الهی، حاکم حقیقی بر بشر خداست و «حاکم اسلامی باید حضور کاملی در همه فعالیت‌های جامعه داشته باشد»^۲؛ خالق و آفریننده جهان هستی و تمام موجودات عالم، تنها خداوند قادر و متعال است و فقط اوست که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز می‌باشد. از این رو انسان‌ها باید فقط در برابر ذات خداوند تسلیم باشند و اطاعت و بندگی هیچ موجود دیگری را نپذیرند مگر آن که اطاعت از او در مسیر اطاعت از خداوند و به اذن او باشد. در جهان‌بینی الهی هیچ انسانی حق ندارد با اتکاء به جاه و مقام و شهرت، انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود وادارد و آنان را از آزادی‌ها و حقوق مشروع و خدادادی‌شان محروم سازد، کسی حق ندارد بی اذن الهی خودسرانه قانون وضع کند و نظام سیاسی اجتماعی را مطابق میل و اراده شخصی خود تنظیم نماید؛ زیرا حق حاکمیت فقط مخصوص خداوند است. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

در اسلام، سرپرستی جامعه، متعلق به خدای متعال است. هیچ انسانی این حق را ندارد که اداره امور انسانهای دیگر را به عهده بگیرد. این حق، مخصوص خدای متعال است که خالق و منشی و عالم به مصالح و مالک امور انسانها، بلکه مالک امور همه ذرات عالم وجود است. ... هیچ قدرتی، هیچ شمشیر برایی، هیچ ثروتی، حتی هیچ قدرت علم و تدبیری، به کسی این حق را نمی‌دهد که مالک و تصمیم‌گیرنده درباره سرنوشت انسانهای دیگر باشد. ... این حق، متعلق به خداست.^۳

^۱ بیانات در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۳۶۶/۶/۳۱، ۸۰۸۹، <https://khl.ink/f/8089>.

^۲ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۱۰/۱۱، ۲۱۵۰۱، <https://khl.ink/f/21501>.

^۳ بیانات در دیدار با کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳۶۹/۴/۲۰، ۲۲۳۵، <https://khl.ink/f/2235>.

بنابراین بر اساس جهان بینی الهی حکم و حاکمیت بالاصالۀ و تکویناً از آن خدای متعال است و فقط او بالاصاله حق قانون گذاری برای بشر دارد؛ از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای پذیرش هر ولایتی غیر از ولایت الهی؛ پذیرش ولایت شیطان و موجب ذلت است:

انسانهایی که بی‌خردند... به جای اینکه به خدا پناه ببرند، به جای اینکه ولایت الهی را قبول بکنند، به جای اینکه به هدایت الهی چنگ بزنند، به ولایت شیاطین، به ولایت دشمنان اسلام و دشمنان بشریت متمسک می‌شوند برای اینکه برای خودشان عزت درست کنند، و این عزت به دست آنها نمی‌آید. آن عبادت شوندگان نابکار هم از آنها سپاسگزاری نخواهند کرد: *كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا*. (مریم: ۸۱) این بیان قرآن، بیان روشنی است؛ باید از این بیان درس گرفت، باید راه را درست شناخت، خط هدایت قرآنی، انسانها را به سعادت می‌رساند، بایستی از خدای متعال کمک خواست.^۱

۱-۴-۲. نیازمندی به وحی

برخلاف جهان بینی مادی که تنها به عقل بشر اکتفا می‌کند، در نگرش توحیدی، انسانها برای تمییز مسیر حق از باطل و تنظیم روابط فردی و اجتماعی خود نیازمند به وحی نیز می‌باشند. زیرا نظام هستی و موجودات عالم بر اساس نیاز به خالق هستی آفریده شده‌اند. هیچ موجودی جز خالق متعال، عالم به همه چیز نیست، پس فقط اوست که می‌تواند در پرتو علم کامل به روابط و قانونمندی پدیده‌ها، مسیر درست زندگی را به بشر نشان دهد. دستگاه ادراکی بشر و موجودات عالم به دلیل وجود موانع فراوان و محدودیت در ابزار شناخت، از درک همه ظرائف، پیچیدگی‌ها و رموز جهان هستی ناتوان‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

عقل مستقلاً از فهم همه مباحثی که در علم کلام مطرح می‌شود ناتوان است، مثلاً در باب صفات باری مانند اراده و سمع و بصر و امثال آن، عقل به مدد وحی است که می‌تواند در وادی معرفت درست گام نهد و به تنهایی وارد شدنش در این وادی که مربوط به حضرت حق جل و علاست، ورود در ضلالت است.^۲

^۱ بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۳/۳/۶، <https://khl.ink/f/۲۶۵۴۲>.

^۲ پیام به کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره)، ۱۳۷۲/۱/۲۸، <https://khl.ink/f/۲۶۶۲>.

بدون استعانت از وحی و پیروی از آن، رفتار فردی و اجتماعی بشر نیز به درستی سامان نمی‌یابد. احکام و دستورات الهی، رفتارهای فردی و اجتماعی را در مسیر صحیح و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت سازماندهی می‌کنند. گرچه در نظام‌های غیر دینی نیز در مسیر تنظیم روابط فردی و اجتماعی و برقراری نظم اجتماعی تلاش می‌شود اما به دلیل عدم پیروی از قوانین الهی و عدم اعتقاد به دستورات و فرامین ماوراء طبیعی، جامعه همواره در معرض تندبادهای و بحران‌های فراینده اجتماعی است که نمونه‌های آن را امروزه در جوامع غربی، در ابعاد مختلف شاهدیم:

این زندگی دنیوی، اگر این راهی را که وحی الهی و نبوت‌های پروردگار پیش پای بنی‌آدم گذاشته‌اند، این راه را انسان حرکت نکند، قطعاً به سرچشمه خواهد رسید، ... امروز هم ما در دنیا همین را احساس می‌کنیم، می‌بینیم که بشریتی که از راه خدا منصرف شده، راه ادیان را رها کرده و دشمنی ورزیده با هدایت‌های الهی، چه به شکل مقررات دینی، چه به شکل تعالیم اخلاقی، چه به شکل معارف صحیح الهی - مثل توحید و مثل نبوت و از این قبیل - این بشر واقعاً دچار مشکلاتی شده که قابل برگشت نیست. الان دنیا همین‌جور است، ... دنیا دچار یک اشتباهاتی است که شاید اگر از راه خدا حرکت می‌کرد، به این اشتباهات دچار نمی‌شد.^۱

۱-۴-۳. دنیا و آخرت مکمل یکدیگر

در جهان‌بینی الهی دو زندگی برای انسان‌ها خلق شده است: یکی زندگی در این جهان مادی و دیگر زندگی در جهان آخرت. بر اساس دستورات و فرامین الهی که خداوند آنها را از طریق پیشوایان دینی به بشر عرضه داشته است، دنیا، جزئی از عالم خلقت است که دنباله آن تا سرای آخرت استمرار دارد. زندگی در این دنیا نباید ما را از زندگی در سرای آخرت غافل سازد، بلکه بر اساس تعالیم الهی و دستورات قرآن کریم، توشه آن جهان در این جهان مادی باید فراهم شود. به تعبیری این دنیا مقدمه سرای آخرت و کشتزار محصولاتی است که حاصلش در آن جهان درو خواهد شد بر همین اساس خداوند پیامبران و ادیان آسمانی به ویژه دین اسلام را به منظور راهنمایی بشر برای کسب توفیق بیشتر و سعادت کامل‌تر در مسیر آبادانی دنیا و آخرت انسانها فرستاده است. آیت الله خامنه‌ای درباره ارتباط دین و دنیا می‌فرماید:

^۱ ر.ک: سیدعلی خامنه‌ای، دولت سعادت: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با هیأت وزیران در ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۵/۱۱/۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

از نظر اسلام، دنیا مزرعه آخرت است... دنیا میدان اساسی وظیفه و مسئولیت و رسالت دین است. دین آمده است تا در این صحنه عظیم و در این عرصه متنوع، به مجموعه تلاش انسان شکل و جهت بدهد و آن را هدایت کند. دین و دنیا در این تعبیر و به این معنای از دنیا، از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند. دین نمی‌تواند غیر از دنیا عرصه دیگری برای ادای رسالت خود پیدا کند. دنیا هم بدون مهندسی دین و بدون دست خلاق و سازنده دین، دنیایی خواهد بود تهی از معنویت، تهی از حقیقت، تهی از محبت و تهی از روح. دنیا - یعنی محیط زندگی انسان - بدون دین، تبدیل می‌شود به قانون جنگل و محیط جنگلی و زندگی جنگلی. انسان در این صحنه عظیم باید بتواند احساس امنیت و آرامش کند و میدان را به سوی تعالی و تکامل معنوی باز نماید. در صحنه زندگی باید قدرت و زور مادی ملاک حقانیت به حساب نیاید. در چنین صحنه‌ای، آنچه می‌تواند حاکمیت صحیح را بر عهده بگیرد، جز دین چیز دیگری نیست. تفکیک دین از دنیا به این معنی، یعنی خالی کردن زندگی و سیاست و اقتصاد از معنویت؛ یعنی نابود کردن عدالت و معنویت. دنیا به معنای فرصت‌های زندگی انسان، به معنای نعمت‌های پراکنده در عرصه جهان، به معنای زیبایی‌ها و شیرینی‌ها، تلخی‌ها و مصیبت‌ها، وسیله رشد و تکامل انسان است. اینها هم از نظر دین ابزارهایی هستند برای این که انسان بتواند راه خود را به سوی تعالی و تکامل و بروز استعدادهایی که خدا در وجود او گذاشته است، ادامه دهد. دنیای به این معنا، از دین قابل تفکیک نیست. سیاست و اقتصاد و حکومت و حقوق و اخلاق و روابط فردی و اجتماعی به این معنا، از دین قابل تفکیک نیست.^۱

۱-۴-۴. اعتقاد به معاد، عامل سعادت انسانها

جهان بینی الهی زندگی انسان را به این جهان هستی مادی محدود نمی‌کند بلکه جهان آخرت را در استمرار و تداوم آن می‌داند. اعتقاد به معاد از سوی انسان باعث دوری وی از ظلم و ستم و طغیان در جامعه می‌گردد؛ زیرا انسان مؤمن در همه حال خود را در برابر محکمه الهی می‌داند و به این حقیقت باور دارد که کوچک‌ترین اعمال خیر یا شر او در پیشگاه الهی مورد محاسبه قرار می‌گیرد. همین اعتقاد او را از طغیان‌ها باز می‌دارد و در او تقوایی ایجاد می‌کند که عامل کنترل درونی در برابر تعدی و تجاوز به حقوق دیگران است. علاوه بر این، باعث برخورداری انسان از حس مسئولیت در برابر دیگران و جامعه می‌گردد

^۱ بیانات در مراسم شانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۸۴/۳/۱۴، <https://khl.ink/f/۳۲۹۵>.

که در نهایت سعادت جامعه بشری را رقم خواهد زد. رهبر انقلاب با اشاره به نقش و اثر «یاد قیامت و معاد» در حیات بشری می‌فرماید:

یاد در مقابل غفلت است؛ غفلت از خدا، غفلت از وظیفه و مسؤولیت، غفلت از آن هنگام حساس مواجهه با مأموران الهی در عالم ملکوت عالم بعد از عبور از جسمانیت و محاسبه بزرگ انسان در مقابل خدا در قیامت؛ اینها یاد است. این یادها تعیین کننده است. این طور نبوده که فقط به ما بگویند به قیامت معتقد باشید برای این که اعتقادی مثل اعتقاد علمی داشته باشید؛ نه، برای این که این اعتقاد در زندگی ما، در حرکت ما و در تصمیم گیری ما تأثیر بگذارد.^۱

بنابراین در هستی شناسی اسلامی جهان به امور مادی مشاهده پذیر و حسی خلاصه نمی‌شود بلکه امور ماورایی و متافزیک نیز یک واقعیت جهان هستی تلقی می‌گردد که در سرنوشت بشر تأثیرگذار است.

۲. اصول روابط بین‌الملل اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

از دیدگاه اسلام، ارتباط انسانها و روابط ملتها و حکومتها با یکدیگر دارای اصولی مشخص می‌باشد. اصول این ارتباط را با توجه به گروه‌های مسلمان و غیر مسلمان و نیز انواع غیر مسلمانان می‌توان از یکدیگر متمایز نمود:

۲-۱. روابط مسلمانان با یکدیگر

اصول حاکم بر روابط بین‌الملل اسلامی در خصوص رابطه دو گروه از مسلمانان با یکدیگر بر مبنای ایجاد رابطه برادرانه و دوستانه می‌باشد؛ در واقع با توجه به پیوند ناگسستنی میان اندیشه‌ها، عقاید، اعمال و منش اخلاقی مسلمانان، روابط میان آنان از دیدگاه اسلام بر اساس دوستی و برادری تنظیم می‌گردد. از این رو پیامبر اکرم(ص) پس از برقراری حکومت اسلامی در مدینه، بر اساس آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»^۲ «در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید»، دشمنی دیرینه میان قبایل آن شهر را به دوستی بدل کرد و میان دو قبیله بزرگ اوس و خزرج، عقد برادری منعقد ساخت:

^۱ بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۲۲ / ۰۲ / ۱۳۸۲، <https://khl.ink/f/۳۱۷۶>.

^۲ حجرات، ۱۰.

یکی از کارهایی که پیامبر شاید در همان ماههای اول ورود به مدینه انجام دادند، ایجاد عقد اخوت بین مسلمانها بود؛ یعنی مسلمانها را با هم برادر کردند. این که می‌گوییم با هم برادر هستیم، در اسلام یک تعارف نیست؛ یعنی حقیقتاً مسلمین نسبت به یکدیگر، دارای حق برادری هستند و نسبت به هم طلبکارند؛ همچنان که برادران نسبت به هم، مدیون یکدیگر هستند و باید نسبت به هم، حقوق متقابلی را عمل کنند. پیامبر، این را عملی کرد.^۱

بر همین اساس آیت‌الله خامنه‌ای از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، براساس مشترکات اسلامی در صدد اتحاد مسلمین و کشورهای اسلامی برآمده و برای خارج ساختن آنان از «زیر خیمه امپریالیسم» و آمریکا و برقراری «رابطه‌ای صد در صد برادرانه» میان آنان تلاش نموده‌اند.^۲

۲-۲. روابط مسلمانان با غیر مسلمانان غیر متخاصم

اصول روابط بین‌الملل اسلامی در خصوص رابطه مسلمانان با غیر مسلمانان، در دو نظام استعماری و غیر استعماری متفاوت می‌باشد. این اصول در رابطه با نظام‌های غیر استعماری و غیر متخاصم شامل موارد زیر می‌باشد:

الف) تکیه بر اصول مشترک

با توجه به اینکه فطرت همه انسانها یکی است، پس انسانها از هر دین و آیینی می‌توانند با تکیه بر اصول مشترک با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند. اشتراک این اصول در مورد پیروان ادیان آسمانی آشکارتر است. در این رابطه خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شیئا ولا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله»^۳؛ «هل کتاب را دعوت کن و به آنها بگو: بیایید به اصول مشترک برای روابط بین ما و شما عمل کنیم؛ اینکه خدا را بپرستیم؛ برای او شریک قائل نشویم؛ و به جز خدا کسی را به عنوان ارباب خود قرار ندهیم.» قرآن کریم در سوره انبیا بعد از بیان سیره انبیا(ع)، نه تنها مسلمانان که همه پیروان انبیای الهی را «یک امت» می‌داند: «ان هذه امتکم امه

^۱ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۷/۲۸، ۲۲۰۷. <https://khl.ink/f/۲۲۰۷>

^۲ رک: بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۴ / ۲/۶، ۳۲۷۷. <https://khl.ink/f/۳۲۷۷>؛ بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱،

<https://khl.ink/f/۱۴۸۳>

^۳ آل عمران، ۶۴.

واحد وانا ربکم فاعبدون»^۱ یعنی از نظر اسلام همه موحدان، امت واحدند؛ زیرا اعتقاد به خدای یگانه، اصل رسالت و یک مرجع و معاد دارند. پس می‌توانند بر اساس همین اصول مشترک، با یکدیگر رابط برقرار نمایند. در روابط بین‌الملل نیز همواره اصول و مسائل مشترک و قابل قبولی میان کشورهای اسلامی با کشورهای غیر اسلامی غیر متخاصم وجود دارد که بر اساس آن می‌توان رابطه‌ای سالم برقرار کرد. آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح روابط خارجی جمهوری اسلامی با کشورها بر اساس «تکیه بر مشترکات» تاکید می‌فرماید.^۲

ب) رابطه مسالمت آمیز و عادلانه

از دیدگاه اسلام، مسلمانان با غیر مسلمانان غیر متخاصم می‌توانند رابطه مسالمت‌آمیز و عادلانه برقرار نمایند. قرآن کریم خطاب به مسلمانان می‌فرماید:

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ «خداوند، شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده‌اند و از سرزمین‌تان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد. خداوند کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند، دوست دارد.»^۳

آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس آیه فوق، حکمت و مصلحت نظام اسلامی را در این می‌داند که مسلمانان با کفاری که به ایشان ظلم نمی‌کنند، روابط حسنه داشته باشند.^۴ ایشان با استناد به سیره رسول خدا (ص) در مقابل غیرمسلمانان می‌فرماید:

پیغمبر اکرم با کفار قریش در حدیبیه قرارداد بستند؛ حتی با بعضی از کفار قرارهای بلندمدت داشتند؛ یعنی هیچ انگیزه دعوا نداشتند. خب، در خود قرآن هم مشخص است؛ «لَا يَنْهَى اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ»؛ (ممتحنه: ۸)

^۱ انبیاء، ۹۲.

^۲ بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۲/۱۰/۲۹، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵۶>.

^۳ ممتحنه، ۸.

^۴ بیانات آیه الله خامنه‌ای در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۷/۱۱/۹، <https://khl.ink/f/۲۲۵۹>.

آن کفّاری که با شما مسئله‌ای ندارند، دعوا ندارند، سابقه سوئی با شما ندارند، به شماها ظلم نکردند، شما را بیرون نکردند، شما می‌توانید با اینها ارتباطات حسنه داشته باشید.^۱

ج) پایبندی به عهد و پیمان

در اسلام پایبندی به عهد و پیمان برای همه لازم است و مسلمانان باید به عهد خویش با همه اعم از مسلمان یا غیر مسلمان و حتی در مقابل دشمنان، وفادار بمانند. قرآن کریم هرگز نقض ابتدایی عهد و پیمان بدون آنکه دشمن آن را نقض کرده باشد، مجاز نمی‌شمرد، بلکه تاکید می‌کند: «تا هنگامی که دشمنان بر پیمان خود پایدارند شما نیز بر پیمان استوار بمانید»^۲ اهمیت رعایت این امر تا جایی است که خداوند خطاب به مسلمانان می‌فرماید اگر کسی به شما ستم کرد؛ ولی به کشوری که شما با آن کشور، پیمان پذیرش پناهندگی سیاسی دارید، پناهنده شد، حق تعرض به او را ندارید: «الا الذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق»^۳؛ «مگر اینکه به گروهی پیوندند که شما با آنها میثاق و تعهد دوجانبه دارید» همچنین در اسلام، حمایت از مسلمانانی که در میان دشمنانی قرار گرفته‌اند که آنان با مسلمین پیمان عدم تعرض دارند نیز جایز شمرده نمی‌شود: «و ان استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر الا علی قوم بینکم و بینهم میثاق و الله بما تعملون بصیر»^۴؛ «و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند یاری آنان بر شما [واجب] است مگر بر علیه گروهی باشند که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست» از این آیه معلوم می‌شود گرچه یاری کردن مسلمانان گرفتار شده واجب است اما اولویت با رعایت عهد و پیمان‌هاست. بر همین اساس آیت‌الله خامنه‌ای همواره بر پای بندی ایران به پیمان‌ها و قراردادهای بین‌المللی هر چند با دشمنان جمهوری اسلامی منعقد شده باشد، تاکید داشته و عدم نقض آنها را تا زمانی که دشمنان به آنها پایبند بمانند، اعلام نموده است.^۵

د) جلوگیری از جنگ‌افروزی و خشونت‌طلبی

یکی از مهمترین اصول روابط بین‌الملل اسلامی، تلاش برای کاستن از جنگ و خونریزی و جلوگیری از افزایش خشونت‌ها است. عملکرد مسلمانان در روابط بین‌الملل باید با هدف کمک به برقراری صلح جهانی

^۱ بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام، ۱۳۶۸/۱۱/۹، <https://khl.ink/f/۲۲۵۹>.

^۲ المیزان، ج ۱۰، ص ۱۸۹.

^۳ نساء، ۹۰.

^۴ انفال، ۷۲.

^۵ بیانات در دیدار سران سه قوه، مسؤولان و کارگزاران نظام، ۱۳۹۵/۳/۲۵، <https://khl.ink/f/۳۳۳۷۱>.

باشد و حتی المقدور از افزایش جنگ و خشونت در جهان جلوگیری نماید. از این رو آیت‌الله خامنه‌ای با اعلام آمادگی جمهوری اسلامی در راستای تحقق این هدف می‌فرماید:

ما آماده هستیم در تمام تلاش‌های صلح طلبانه دنیا برای مقابله با تجاوز همراه و پیشقدم باشیم و همه مجامعی که برای مقابله با تجاوز تشکیل بشود و تلاش بین‌الملل برای این کار سازماندهی کند، ... ما کاملاً آماده هستیم که در آن مجمع و در هر مجمعی که برای این کار پایه‌گذاری بشود شریک باشیم.^۱

۲-۳. روابط مسلمانان با غیر مسلمانان متخاصم

اصول روابط بین‌الملل اسلامی در خصوص رابطه مسلمانان با گروه‌ها یا نظام‌های استعماری و متخاصم شامل موارد زیر می‌باشد:

الف) اعلام برائت و بیزاری

آیات ابتدایی سوره مبارکه توبه که در مورد اعلام برائت از مشرکین است، شامل مشرکان متخاصم و پیمان‌شکن می‌باشد.^۲ از دیدگاه اسلام با چنین مشرکانی نمی‌توان ابراز دوستی و محبت نمود. قرآن کریم با عدم پذیرش ارتباط حسنه میان مسلمانان با غیر مسلمانان متخاصم می‌فرماید:

«انما ینهاکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین و اخرجوکم من دیارکم و ظاهروا علی اخراجکم ان تولوهم و من یتولهم فاولئک هم الظالمون»؛ «بدرستی که خداوند از دوستی و ورزیدن (تبعیت و پیروی کردن) با کسانی که با شما در دین جنگیده‌اند و از سرزمین خود بیرونتان رانده‌اند، یا در بیرون راندنتان همدستی کرده‌اند، شما را باز می‌دارد. هر که با آنان دوستی ورزد (و پیروی نماید)، از ستمکاران خواهد بود.»^۳

از نگاه اسلام، هرگونه رابطه قلبی و حاکی از ابراز محبت و صمیمیت مسلمانان به این گروه‌ها و نظام‌ها پذیرفتنی نیست:

^۱ بیانات در افتتاحیه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۶۷/۵/۱۷، ۳۰۴۷۳، <https://khl.ink/f/۳۰۴۷۳>.

^۲ توبه، ۱-۳.

^۳ ممتحنه، ۹.

«يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا بطانه من دونكم لا يألونكم خبالا ودّوا ما عنتم قد بدت البغضاء من أفواههم و ما تخفى صدورهم أكبر قد بينا لكم الايات ان كنتم تعقلون»^۱؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید بیگانگان را [دوست و] همراز مسلمانان مگیرید [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند؛ دوست دارند که در رنج بیفتید؛ دشمنی از لحن و سخنان آشکار است و آنچه سینه‌هایشان نهان می‌دارد بزرگتر است در حقیقت ما نشانه‌های دشمنی آنان را برای شما بیان کردیم اگر تفکر می‌کردید»

به لحاظ عقلی نیز هرگونه تلاش برای برقراری رابطه دوستانه با این گروه‌ها و نظام‌های سلطه جو و عهدشکن، غیر منطقی است. زیرا آنان همواره به دنبال سلطه و زیان رساندن می‌باشند؛ و لذا هر گونه رابطه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با آنان به زیان مسلمانان تمام خواهد شد. از این رو قرآن کریم با اعلام براءت از آنان، مسلمانان را از هر گونه رابطه دوستانه و مسالمت آمیز با ایشان برحذر می‌دارد. رهبر انقلاب اسلامی با اعتقاد به موضوع براءت از مشرکین و اعلام بیزاری از استکبار و الحاد جهانی به عنوان یکی از مسائل اساسی حج در روزگار ما، می‌فرماید:

آئین براءت که به معنی بیزاری از همه بی‌رحمی‌ها و ستم‌ها و زشتی‌ها و فسادهای طواغیت هر زمان و ایستادگی در برابر زورگویی و باج‌گیری مستکبران دوران‌ها است، یکی از برکات بزرگ حج و فرصتی برای ملت‌های مظلوم مسلمان است. امروز براءت از جبهه شرک و کفر مستکبران و در رأس آن آمریکا، به معنی براءت از مظلوم‌کشی و جنگ‌افروزی است؛ به معنی محکوم کردن قانون‌های تروریسم از قبیل داعش و بلک‌واتر آمریکایی است؛ به معنی نهیب امت اسلامی بر سر رژیم کودک‌کش صهیونیست و پشتیبانان و کمک‌کنندگان آن است؛ به معنی محکومیت جنگ‌افروزی‌های آمریکا و دستیارانش در منطقه حسّاس غرب آسیا و شمال آفریقا است که رنج و مرارت ملت‌ها را به نهایت رسانده و هر روزه مصیبت‌های سنگینی بر آنان وارد کرده است؛ به معنی بیزاری از نژادپرستی و تبعیض بر اساس جغرافیا و نژاد و رنگ پوست است؛ به معنی بیزاری از رفتار استکباری و خباثت‌آمیز قدرتهای متجاوز و فتنه‌انگیز در برابر رفتار شرافتمندانه و نجیبانه و عادلانه‌ای است که اسلام، همه را به آن دعوت می‌کند.^۲

^۱ آل عمران، ۱۱۸.

^۲ پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۹۸/۵/۱۹، <https://khl.ink/f/۴۳۱۹۹>

ب) نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری

در اسلام همان گونه که ظلم کردن جایز نیست پذیرش ظلم نیز روا نمی‌باشد؛ نفی هرگونه سلطه‌طلبی و خودکامگی و برتری‌طلبی در سطح جهان از اصول مسلم اسلام در روابط بین‌الملل است که مصداق قاعده نفی سبیل در اسلام می‌باشد.^۱ از این رو در روابط بین‌الملل اسلامی بر ضرورت اجتناب از روابط و قراردادهایی که زمینه‌ساز سلطه‌کفار بر مومنین گردد، تاکید شده است. بر همین اساس هر گونه تلاش برای اعمال ظلم و سلطه بر دیگران از سوی کشورهای اسلامی قابل قبول نیست؛ به عبارت دیگر یک کشور اسلامی در روابط بین‌الملل خود حتی اگر در بالاترین شرایط قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی هم قرار داشته باشد نمی‌تواند به سمت سلطه‌جویی و ظلم به کشورها و ملت‌ها حرکت کند؛ همچنانکه نمی‌تواند پذیرنده سلطه و ظلم دیگران باشد. آیت‌الله خامنه‌ای با تاکید بر این دیدگاه به عنوان مشی سیاسی محوری در جمهوری اسلامی ایران می‌فرماید:

ما در دنیا اعلام کرده‌ایم که انقلاب اسلامی، با نظام سلطه مخالف است. نظام سلطه، یعنی اینکه دولتها و قدرتهایی زور بگویند و ملت‌ها و گروه‌ها و کشورها و دولتهایی، آن زور را قبول کنند. طرفین، طرفین نظام سلطه‌اند و ما نظام سلطه را رد کردیم و رد می‌کنیم و با آن به مبارزه برمی‌خیزیم. ما در نظام سلطه، طرفین را مقصر می‌دانیم؛ هم سلطه‌گر و هم سلطه‌پذیر را. استکبار، به معنای همین نظام سلطه است.^۲

ج) مقاومت و پایداری

از دیدگاه اسلام رابطه مسلمانان و کشورهای اسلامی با گروه‌ها و نظام‌های متخاصم، سلطه‌گر و مستکبر باید بر مبنای مقاومت و ایستادگی در برابر آنان باشد. قرآن کریم تنها راه ارتباط با پیشوایان پیمان‌شکن کفر را که بر هیچ عهد و پیمانی پایبند نیستند، ایستادگی و مبارزه با آنان تا زمان دست کشیدن ایشان از خصومت می‌داند:

^۱ نساء، ۱۴۱.

^۲ بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان سراسر کشور به مناسبت روز ملی مبارزه با آمریکا، ۱۳۶۸/۸/۱۰.

<https://khl.ink/f/۲۲۱۷>

«و ان نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم فقاتلوا ائمه الکفر انهم لا ایمان لهم لعلمهم ینتهون»^۱؛ «و اگر سوگندهای خود را پس از پیمان خویش شکستند و شما را در دینتان طعن زدند پس با پیشوایان کفر بجنگید چرا که آنان را هیچ پیمانی نیست باشد که [از پیمان شکنی] باز ایستند»

اسلام با مشرکانی که بر عهد و پیمان خویش ایستاده‌اند و تلاشی برای توطئه و دشمنی علیه مسلمانان نمی‌کنند، جنگی ندارد اما در برابر کسانی که علیه مسلمانان از در دشمنی و تجاوزگری وارد شده‌اند، باید با قاطعیت و سرسختانه ایستاد و مبارزه کرد:

یکی از گنجینه‌های بسیار مهمی که متأسفانه مورد توجه قرار نمی‌گیرد، سخت بودن و غیر قابل نفوذ بودن در مقابل بدخواهان است. یکی از ضربه‌هایی که جوامع بشری می‌خورند، از ناحیه نفوذ دشمنان است، که این در آیه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» (فتح: ۲۹) وجود دارد. ... «أَشِدَّاءُ» یعنی سخت بودن، محکم بودن، غیر قابل نفوذ بودن؛ این معنای «أَشِدَّاءُ» است. أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ نگذارید در جامعه شما نفوذ پیدا کنند.^۲

آیت‌الله خامنه‌ای با تاکید بر این نکته که هدف اصلی دین اسلام «مبارزه با شیطانها، مبارزه با طاغوتها، مبارزه با قدرتهای ضد الهی» برای حاکمیت الهی است، به مقایسه مبارزه با قدرتهای استکباری در دوران کنونی در جمهوری اسلامی و مبارزه با رژیم سابق پرداخته و مبارزه این دوره را پیچیده‌تر و سخت‌تر از گذشته توصیف می‌فرماید:

بنده بارها به دوستانم می‌گویم من امروز احساسم در مقابل جبهه عظیم جهانی فساد و ضلالت و گمراهی، با احساس دوران اختناق رژیم ستمشاهی هیچ تفاوتی نکرده است. آن روز هم فکر می‌کردیم باید مبارزه کنیم، امروز هم فکر می‌کنم باید مبارزه کنیم. ما برای مبارزه‌ایم؛ منتها شکل، عرصه و ابعاد این مبارزه تفاوت کرده و مبارزه پیچیده‌تر و سخت‌تر شده است؛ خونِ دل این مبارزه از خونِ دل مبارزه دوران ستمشاهی بیشتر است. الان طرف ما دستگاه استکبار و ظلم و پنهان

^۱ توبه، ۱۲.

^۲ بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۴۰۱/۱۱/۲۹، <https://khl.ink/f/۵۲۰۲۵>.

شدنِ زشت‌ترین خوی‌های موجودِ در انسان گمراه در زیر پوششی از چهره متبسم و اَدکلن زده و
قیافه کروات بسته، پنهان شده است؛ ما امروز با این موجود داریم مبارزه می‌کنیم.^۱

^۱ بیانات در دیدار استادان و دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۶، <https://khl.ink/f/۵۷۰۳>.

فصل دوم: ساختار روابط بین الملل

ساختار روابط بین‌الملل ناظر به بُعد شکلی و صوری روابط میان کشورهاست. با توجه به وضعیت حاکم بر نظام بین‌الملل کنونی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان ساختار روابط بین‌الملل موجود را در یک نظام سه قطبی (شامل: قطب سلطه‌گر - قطب سلطه‌پذیر - قطب مخالف سلطه) تعریف نمود.

۱. قطب سلطه‌گر و تمامیت‌خواه

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای روابط بین‌الملل موجود در قالب نظام سلطه، مبتنی بر یک قطب سلطه‌گر و تمامیت‌خواه می‌باشد. قطب سلطه‌گر و مستکبر دارای توانایی‌های مادی از جمله توانایی اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی است که به پشتوانه قدرت خود، این حق را برای خویش قائل گردیده است تا در امور داخلی ملتها و دولت‌های دیگر دخالت مالکانه نموده^۱ و به دنبال حکومت بر جهان باشد.^۲ قطب سلطه‌گر در اقتصاد، فرهنگ، سیاست‌ورزی، تربیت، سبک زندگی ملتها دخالت می‌کند و به دنبال آن است که همه‌چیز دنیا در اختیار او باشد.^۳ رهبر انقلاب بر این نکته نیز تاکید می‌کند که بازیگران در قطب سلطه‌گر تنها به بازیگران دولتی منحصر نمی‌شوند بلکه انواع نمادهای استکبار اعم از مراکز پولی و تجاری بین‌المللی، کمپانی‌های ملی و یا چند ملیتی، شبکه‌های صهیونیستی، دولت آمریکا، کشورهای اروپایی و حتی برخی از متحدین و تابعین قدرت‌های بزرگ به خصوص آمریکا در مناطق جهان را می‌توان در قطب و یا جبهه سلطه و استکبار تعریف نمود؛^۴ اما به طور کلی مظهر کامل نظام سلطه امروز، دولت آمریکا می‌باشد.^۵ قطب سلطه‌گر امروزه در تمامی ساختارهای روابط بین‌الملل از جمله ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حضور دارند:

۱-۱. سلطه بر ساختار سیاسی

در وضعیت کنونی، قطب سلطه‌گر در نظام سلطه به لحاظ قدرت سیاسی برتر در روابط بین‌الملل و اعمال سلطه، نفوذ و ایجاد وابستگی سیاسی برای کشورهای ضعیف، دارای چنان قدرتی گردیده است که به راحتی می‌تواند حقوق ملتها و کشورهای ضعیف را نقض نماید. پدیده‌ای که از دیدگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی

^۱ رک؛ بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۸۸/۸/۱۲، <https://khl.ink/f/۸۳۳۷>.

^۲ رک؛ بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸، <https://khl.ink/f/۲۵۳۴۳>.

^۳ رک؛ بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۹۳/۲/۳۱، <https://khl.ink/f/۲۶۴۶۲>.

^۴ رک؛ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و نخبگان علمی و فرهنگی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۶/۴، <https://khl.ink/f/۷۸۹۹>.

^۵ رک؛ بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸، <https://khl.ink/f/۲۵۳۴۳>.

ایران برای جهان امروز مصیبت بار است.^۱ قطب سلطه گر، حتی بر رسانه‌های کشورهای خود یا وابسته به خود نیز اعمال سلطه می‌نماید و اجازه نمی‌دهد اخبار مخالف منافع ایشان انتشار یابد:

حقیقت دردناک در نظامهای غربی، امروز این است که علی‌رغم ادعای آزادی، وجود صدها شبکه تلویزیونی و رادیویی و انواع و اقسام رسانه‌ها با همه جنجال‌ها برای آزادی؛ در حقیقت، آزادی فکر، آزادی خبر، آزادی اطلاع، در این کشورها به آن معنایی که ادعا می‌کنند، به هیچ وجه وجود ندارد. چرا؟ چون این شبکه تبلیغاتی، این همه دستگاه‌ها و رسانه‌ها - اعم از رادیو، اعم از تلویزیون، یا روزنامه - در اختیار و در انحصار مجموعه‌هایی است که خود آن مجموعه‌ها جزو اداره‌کنندگان سیاست‌های آن کشورند؛ ... تخطی به قدرت سیاسی و پشتیبانان قدرت سیاسی به هیچ وجه ممکن نیست. آن جایی که آنها نخواهند، نه تلویزیون، نه رادیو، نه روزنامه، نه مراکز خبری کمترین خبری را که با سیاست‌های یک دستگاهی که بر آنجا حاکم است و کمپانی‌هایی که از او دفاع می‌کنند معارض باشد، درز نمی‌دهد.^۲

۱-۲. سلطه بر ساختار اقتصاد بین‌الملل

قطب سلطه گر در نظام سلطه بین‌الملل، به لحاظ برخورداری از قدرت برتر اقتصادی نیز سعی در اعمال سلطه اقتصادی بر جهان دارد. در واقع یکی از آسیب‌های جدی در ساختار اقتصادی روابط بین‌الملل از بدو شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری غرب، سلطه این نظام بر جهان بوده است؛ که حضرت امام(ره) آن را ریشه بدبختی بشریت امروز و روابط حاکم بر آن و استثمار کشورها می‌دانستند.^۳ آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر این موضوع که «در جامعه غرب سرمایه‌دارها هستند که سیاستها را تعیین می‌کنند و سیاست مدارها را بر سر کار می‌آورند یا کنار می‌زنند»،^۴ چهارچوب اصلی این ساختار را منافع صاحبان ثروت می‌داند:

در دموکراسی‌های غربی چهارچوب عبارت است از منافع و خواست صاحبان ثروت و سرمایه‌داران حاکم بر سرنوشت جامعه. آن جا هم تنها در این چهارچوب است که رأی مردم اعتبار پیدا می‌کند و نافذ می‌شود. اگر مردم چیزی را که برخلاف منافع سرمایه‌داران و صاحبان قدرت مالی و اقتصادی، و بر اثر آن، قدرت سیاسی است بخواهند، هیچ تضمینی وجود ندارد که این نظام‌ها و رژیم‌های دموکراسی، تسلیم آن خواست مردم بشوند.^۵ ... در کشورهایی هم که اسماً دارای نظام دموکراسی و حکومتها علی‌الظاهر با رأی و انتخاب مردم بر سر کار می‌آیند، باطن کار چیز دیگری است و زمام همه

^۱ صحیفه امام، ج ۱۸، ۲۰۶.

^۲ بیانات در دیدار مردم ساوه، ۱۳۷۹/۸/۲۸، <https://khl.ink/f/11559>.

^۳ رک؛ صحیفه امام، ج ۴، ص ۹۷ و ۹۸؛ ج ۷، ص ۳۸۷؛ ج ۸، ص ۱۸۴.

^۴ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۷/۸/۱۵، <https://khl.ink/f/21500>.

^۵ بیانات رهبر انقلاب در تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای خاتمی، ۱۳۸۰/۵/۱۱، <https://khl.ink/f/951>.

کار، در دست کمپانی‌ها و سرمایه‌داران استثمارگر است و این قدرت پول و سرمایه است که با در دست داشتن رسانه‌ها و قدرت تبلیغات، امر را بر خود مردم هم مشتبه می‌کند.^۱

۱-۳. سلطه بر ساختار فرهنگی جهان

قطب سلطه‌گر در نظام سلطه جهانی، سعی در اعمال سلطه فرهنگی بر کشورهای جهان نیز دارد. این معضل نیز در واقع یکی از آسیب‌های جدی در ساختار فرهنگی روابط بین‌الملل از بدو شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری غرب می‌باشد و استعمار همواره تلاش نموده سلطه فرهنگی خود را بر جهان گسترش دهد؛ مبارزه با این پدیده یکی از اهداف و دغدغه‌های اصلی انقلاب اسلامی ایران از بدو پیروزی تاکنون بوده است:

ما همیشه این را گفته‌ایم و این جزو مسلمات انقلاب ماست که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، یک تعرض عمومی به فرهنگ غیر اسلامی و ضد اسلامی است که امروز بر قدرتهای جهانی حاکم است و ارکان قدرت جهانی بر اساس آن شکل گرفته است. به همین خاطر، با اسلام و با این انقلاب و این نظام مخالفند؛ زیرا اجزای فرهنگ سیاسی رایج بین قدرتمندان عالم را زیر سؤال برده است. فرهنگ ما، فرهنگی مغایر با آن فرهنگ‌هاست.^۲

حضرت امام(ره) بحران فرهنگی بوجود آمده در سطح روابط بین‌الملل را ناشی از فرهنگ استعماری و غربی حتی با تهدیدی فراتر از تجهیزات نظامی غرب می‌دانستند.^۳ غرب و در راس آن ایالات متحده آمریکا در دهه‌های اخیر همواره تلاش نموده‌اند این فرهنگ را در عین بی محتوا و بی ریشه بودن، جایگزین فرهنگ دینی در جوامع اسلامی نمایند.^۴ اهمیت این موضوع برای غرب به حدی است که آن را مهمتر از همه چیز برای پیشبرد اهداف خویش می‌شناسد:

امروز در دنیا مراکز قدرت سیاسی، مهمترین چیزی که برایشان برای بلند مدت مطرح است، سلطه فرهنگی است؛ این مهمترین است. با این که هدف اصلی ممکن است فرهنگ نباشد، ... لیکن به عنوان برنامه بلندمدت، آن چیزی که به مراکز سلطه جهانی، اقتدار حقیقی و تضمین شده می‌بخشد، سلطه فرهنگی است، تسلط فرهنگی است؛ به این خیلی اهمیت می‌دهند. یعنی واقعاً اگر چنانچه بر یک کشوری تسلط فرهنگی پیدا بکند نظام سلطه جهانی، خاطرش آسوده است؛ همانی که او می‌خواهد، به‌طور خودکار در آن جا انجام می‌گیرد؛ با یک اندک تلاشی آن کار انجام می‌گیرد؛ مشکلی ندارند. مسأله، مسأله فرهنگ است.^۵

^۱ پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۶۹/۳/۱۰، <https://khl.ink/f/۲۳۱۶>

^۲ بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳۷۰/۴/۱۰، <https://khl.ink/f/۲۴۶۹>

^۳ صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۰۶.

^۴ صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۸۱.

^۵ بیانات در دیدار با اعضای هیأت علمی کنگره امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸/۱۱/۴، <https://khl.ink/f/۲۹۸۸>

۲. قطب سلطه‌پذیر و وابسته

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای قطب دوم در ساختار روابط بین‌الملل موجود، قطب سلطه‌پذیر و وابسته می‌باشد که خود داوطلبانه به پذیرش سلطه‌پذیر و تمامیت خواه تن داده است. رهبر انقلاب با شریک جرم دانستن قطب سلطه‌پذیر در ظلم قطب سلطه‌گر می‌فرماید:

امروز در دنیا نظام سلطه حاکم است این یک نظام جهانی است تسلط نظام سلطه بر دنیا و زندگی بشر، دو طرف دارد یک طرف سلطه‌گرها که همان ابرقدرت‌هایند و طرف دیگر دولت‌های سلطه‌پذیر هستند که دخالت‌های وقیحانه و گستاخانه ابرقدرتها را قبول می‌کنند، اینها هم خودشان شریک جرمند.^۱

مهمترین دلیل شریک جرم بودن وابستگان و سلطه‌پذیران از دیدگاه رهبر انقلاب این است که با دست خویش کشورهای خود را عقب‌مانده نگهداشته و منابع و ثروت‌های ملی را مفت تقدیم بیگانگان و استعمارگران نمودند. ایشان با مثال زدن به وضعیت کنونی و گذشته کشور ایران می‌فرماید:

چرا ایران باید در ردیف کشورهای به اصطلاح در حال توسعه یعنی توسعه نیافته قرار بگیرد؟ ... مگر ذهن و استعداد و قدرت فکری ما از کسانی که امروز دویست سال در دنیای علم پیشتازند، کمتر است؟ می‌بینید که کمتر نیست. آنها از لحاظ علمی دویست سال از ما جلوترند؛ این گناه پادشاهان است؛ گناه نظام دیکتاتوری است؛ گناه خاندان‌های پلیدی است که بر این کشور حکومت کردند؛ گناه خاندان پهلوی است. همین احساسی که امروز من و شما داریم و باید در این کشور حاکم می‌بود، یک روز آن را کوبیدند و خفه کردند. چرا خفه کردند؟ چون رؤسای این کشور، دست نشاندگی‌های همان قدرت‌هایی بودند که نمی‌خواستند این کشور این طور حرکت و رشد کند؛ نمی‌خواستند این منبع ثروت مفت و مجانی را از دست بدهند.^۲

۳. قطب مخالف سلطه و عدالتخواه

آیت‌الله خامنه‌ای به قطب سومی در برابر دو قطب سلطه‌گر و سلطه‌پذیر در روابط بین‌الملل اشاره می‌کند که نه در صدد اعمال سلطه بر ضعف‌است و نه حاضر به پذیرش سلطه اقویا. این قطب مخالف سلطه و عدالتخواه است. شاید تنها مصداق کامل این قطب در جهان امروز، نظام جمهوری اسلامی ایران باشد که رابطه رایج کنونی میان ظالم و مظلوم در ساختار روابط بین‌الملل موجود را بر هم زده است:

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۳۷/۴/۲۵، <https://khl.ink/f/۲۱۴۴>.

۲. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷، <https://khl.ink/f/۳۲۴۳>.

نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا به ظالم و به مظلوم است؛ منطق انقلاب که منطق اسلام است، «لا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» است؛ نباید ظلم کنید و نباید بگذارید به شما ظلم بشود. کیست در همه صفحه بشری و عرصه وجود انسان که از این پیام خرسند نباشد، به این پیام دلبسته نشود؟ نه ظلم کن، نه ظلم بشو. این درست نقطه مقابل نظم حاکم بر جهان است... نظام سلطه جنگ را، فقر را، فساد را گسترش می‌دهد، با همان سازوکار مشخص تقسیم دنیا به ظالم و مظلوم. اسلام - یعنی انقلاب اسلامی که برگرفته از همان مفاهیم اسلامی است - می‌آید می‌گوید: لا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ، یعنی همه این عوامل را نفی می‌کند.^۱

از نظر رهبر انقلاب الگوی جمهوری اسلامی ایران در حال تسری به دیگر کشورها و ملت‌هاست^۲ و با بیداری ملت‌ها، قدرت قطب سلطه‌گر که در راس آن آمریکا قرار دارد در حال افول است.^۳ نشانه‌های این افول را امروز می‌توان در بحران اقتصادی و بدهی‌های آمریکا، شکست سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی، منغور شدن وجهه آمریکا در بین مردم جهان، افزایش مشکلات اجتماعی و وجود نارضایتی‌های اجتماعی مشاهده کرد.^۴ همچنین تحولات جهان اسلام و بیداری ملت‌های مسلمان و تغییرات در کشورهای شمال آفریقا و غرب آسیا از نشانه‌های دیگر این تحول می‌باشد.^۵ از سوی دیگر تضعیف رژیم صهیونیستی به عنوان یکی دیگر از نمادهای قطب سلطه‌گر، نشانه‌ای از ضعف عمومی این جبهه یا قطب به شمار می‌آید.^۶ در کنار این مسائل، سربرآوردن قدرت‌های جدید در عرصه بین‌الملل و ظهور بازیگران جدید در کنار بازیگران سنتی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که به تازگی وارد عرصه شده و در تلاشند جایگاه خود را در نظم جدید پیش رو، تثبیت کنند نشان از حرکت جهانی به سمت شکل‌گیری قطب مخالف سلطه است. برآمدن قدرت‌های جدید با بروز ضعف در قدرت‌های قدیمی همراه بوده است. چشم‌انداز تحولات جهانی، نویدبخش یک نظام چند وجهی است که در آن، قطب‌های سنتی قدرت جای خود را به مجموعه‌ای از کشورها و فرهنگ‌ها و تمدن‌های متنوع و با خاستگاه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می‌دهند.^۷ بدین ترتیب رهبر انقلاب نقش ایران و انقلاب اسلامی در جهان را در تغییر هندسه جهانی و به چالش کشیدن رابطه سلطه‌گر و سلطه پذیر تعریف می‌کند:

انقلاب یک نظم جدیدی را برای بشریت ارائه کرده ... یک مفهوم جهانی، یک حقیقت جهانی، یک حقیقت بشری به وسیله انقلاب پیام داده شد که هر کسی در دنیا آن را بشنود احساس می‌کند که به این پیام دلبسته است. آن پیام چیست؟ اگر بخواهیم آن پیام را در شکل اجتماعی و انسانی آن در یک جمله بیان بکنیم: مقابله با نظام سلطه است؛ این پیام انقلاب است. نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا

^۱ بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲/۶/۲۶، <https://khl.ink/f/۲۴۰۳۳>.

^۲ بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۱/۵/۲۲، <https://khl.ink/f/۲۰۷۲۹>؛ و بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵، <https://khl.ink/f/۲۵۶۹۶>.

^۳ بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۱/۵/۲۲، <https://khl.ink/f/۲۰۷۲۹>.

^۴ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴، <https://khl.ink/f/۱۸۹۲۳> و بیانات در حرم رضوی در آغاز سال ۹۱، ۱۳۹۱/۱/۱، <https://khl.ink/f/۱۹۳۰۱>.

^۵ بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۱/۵/۲۲، <https://khl.ink/f/۲۰۷۲۹>.

^۶ بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳، <https://khl.ink/f/۲۰۵۳۴>.

^۷ بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۶/۹، <https://khl.ink/f/۲۰۸۴۰>.

به ظالم و به مظلوم است؛ منطق انقلاب که منطق اسلام است، «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» است؛ نباید ظلم کنید و نباید بگذارید به شما ظلم بشود.^۱

^۱ بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲/۶/۲۶، ۲۴۰۳۳، <https://khl.ink/f/۲۴۰۳۳>.

فصل سوم: کارگزاران نظام بین الملل

اساس روابط بین‌الملل مبتنی بر کارگزاران و بازیگران بین‌المللی است و بدون آن هیچ روابطی برقرار نمی‌گردد. بازیگران صحنه بین‌الملل در طول تاریخ روابط بین‌الملل، عمدتاً شامل دولتها و روسای کشورها؛ سازمان‌های عالی وزارتخانه‌ها، مسئولین و مقامات اقتصادی، بازرگانی، سیاسی و دیپلماسی و گروه‌های ذی‌نفوذ هر کشور؛ رهبران ادیان و مذاهب؛ سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته آن؛ شرکت‌های چندملیتی و کارتل‌های تجاری- بازرگانی جهانی و حمل و نقل بین‌المللی و ... بوده‌اند.

۱. سازمان‌ها، نهادها و مجامع دولتی در روابط بین‌الملل

امروزه مجامع و نهادهای بین‌المللی، بخش مهمی از روابط بین‌الملل معاصر را تشکیل می‌دهند و بیشتر تعاملات در سطح نظام بین‌الملل توسط آنها اداره می‌شود. در دهه‌های اخیر ادعا می‌شود یکی از مهمترین عملکردهای نهادها، سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، ایفای نقش در صلح جهانی است. بی‌تردید این نقش در صورت تحقق می‌تواند جایگاه نهادها و سازمانها در روابط بین‌الملل را ارتقاء بخشد. اما در وضعیت کنونی در اصل تاثیرگذاری واقعی این مجامع و سازمان‌های بین‌المللی در صلح جهانی جای تردید جدی وجود دارد. بنیانگذار جمهوری اسلامی از نخستین کسانی بود که کارکرد صحیح سیاسی این سازمان‌ها را به دلیل نفوذ ابرقدرتها در آنها همواره مورد تردیدهای اساسی قرار می‌داد: «اصل و اساس این را خود اینها درست کرده‌اند، اساس این سازمان‌ها ساخته خود اینهاست. اگر ساخته خود اینها نبود، به چه مناسبت باید یک کشوری یا چند کشوری قلدر حق و تو داشته باشند.»^۱ همچنین ایشان، اقدامات قدرتهای غربی را در قبال سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و اقدامات این سازمان‌ها و نهادها را در رابطه با ابرقدرتها، در راستای تامین منافع یکدیگر و نه مصالح کشورهای ضعیف و تحت ستم تحلیل می‌کرد: «این سازمان‌هایی که درست کرده‌اند برای خودشان، همه برای منفعت غرب است، هیچ برای مظلوم‌ها نیست.»^۲ امام خمینی(ره) در جایی دیگر، این تشکیلات را صوری و برای بازی دادن ملت‌های ضعیف، و نابودی حیثیت و انسانیت توصیف می‌نمود: «... این سازمان‌ها و آنهایی که با دست آنها، با دست جنایتکار آنها این سازمان‌ها درست شده‌اند، آنها تمام حیثیت و انسانیت بشریت را از بین می‌برند.»^۳ و در نهایت ایشان تأکید می‌کند که هیچ انسان عاقلی نمی‌تواند قبول کند که همه دنیا بر عدالت باشد، لکن اختیار این سازمان‌ها دست چند نفر خاص باشد که اگر این سازمان‌های بین‌المللی

^۱ صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۵۲۰ و ۵۲۱.

^۲ صحیفه امام، ج ۱۱، ۵۰.

^۳ همان.

خواستند جلوی آنها را بگیرند، فوراً آن را وتو کنند!^۱ آیت‌الله خامنه‌ای نیز مهم‌ترین ناکارآمدی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی را با توجه به عملکرد تبعیض‌آمیز آنان در تحولات بین‌المللی از جمله مربوط به ظلم و تجاوز اسرائیل مورد ارزیابی قرار می‌دهند:

الان ببینید اینها (اسرائیلی‌ها) در جنوب لبنان چه می‌کنند. کمتر هفته‌یی، و شاید گاهی کمتر روزی است که نیایند و منطقه‌یی را بمباران نکنند و یک عده مردم بیچاره روستایی جنوب لبنان را بدون هیچ‌گونه جرمی، بی‌خود نکشند. این سازمانهای حقوق بشر هم مرده‌اند. یک کلمه حرف از کسی بیرون نمی‌آید و کسی نفس نمی‌کشد؛ ولی اگر چهار نفر یهودی روسی را آن روزها نمی‌گذاشتند از شوروی خارج بشوند و به اسرائیل بروند، تمام دنیا جنجال می‌شد که چرا مانع می‌شوید؛ یک شهروند روسی می‌خواهد به زیر سایه دولت اسرائیل بیاید؛ چرا دولت شوروی مانع می‌شود! ... سازمان‌های حقوق بشر هم که ادعای حقوق بشر می‌کنند، با آنها هماهنگ می‌شدند! پس حالا مرده‌اید؟! چرا خفه شده‌اید؟! ملت فلسطین را قتل‌عام می‌کنند، ملت لبنان را قتل‌عام می‌کنند؛ اما هیچ‌کس هم هیچ حرفی نمی‌زند!^۲

مجموعه نهادهای سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی را در وضعیت کنونی روابط بین‌الملل می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

۱-۱. سازمان‌های عمومی بین‌دولتی و بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی در عصر حاضر موارد متعددی می‌باشند. از جمله مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱-۱-۱. سازمان ملل متحد

یکی از مهمترین سازمان‌های بین‌المللی در روزگار ما، سازمان ملل متحد است. سازمان ملل متحد سازمانی بین‌المللی است که در سال ۱۹۴۵ میلادی تأسیس و جایگزین جامعه ملل شد. این سازمان توسط ۵۱ کشور تأسیس و تاکنون (سال ۲۰۱۹ میلادی) از ۱۹۳ کشور عضو برخوردار می‌باشد. اعضای آن تقریباً شامل همه کشورهای مستقلی می‌شود که از نظر بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند. شورای امنیت قوی‌ترین نهاد سازمان ملل پنج عضو دائمی دارد که در تصمیمات این شورا حق وتو دارند. با بررسی وقایع و اتفاقات جهانی در سالیان اخیر آشکار می‌گردد که این سازمان، عملکردی کاملاً ضعیف و غالباً نادرست و تبعیض‌آمیز در صحنه بین‌الملل داشته است. در این خصوص به ذکر دو نمونه اکتفا می‌شود:

^۱ صحیفه امام، ج ۱۱، ۵۰.

^۲ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳/۹/۱۳۷۰، ۲۵۲۰. <https://khl.ink/f/۲۵۲۰>

الف) به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر قدس توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد پس از پایان کار جامعه ملل، همراهی آن جامعه را در مصادره و غصب سرزمین فلسطین توسط رژیم متجاوز اسرائیل از طریق به ثبت رساندن رسمی آن دولت غاصب در یک مجمع بین‌المللی ادامه داد. این اقدام ظالمانه فوراً مورد حمایت همه جانبه قدرتهای پیروز جنگ دوم جهانی از جمله بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده قرار گرفت. در نوامبر ۱۹۴۷ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب قطعنامه‌ای اشغال فلسطین از سوی صهیونیست‌های مهاجر را رسمیت بخشید و خواستار تقسیم سرزمین فلسطین میان اعراب و یهودیان از طریق تشکیل دو دولت در یک سرزمین گردید. یکسال بعد از این اقدام، در ماه می ۱۹۴۸ همزمان با عقب نشینی دولت بریتانیا، اشغالگران صهیونیست به تاسیس دولت اسرائیل در بخشی از سرزمین فلسطین که سازمان ملل متحد رسماً به آنها واگذار کرده بود، اقدام نمودند. پس از این اتفاق و با افزایش خشونت‌ها و درگیری‌ها در این منطقه، نقش و مواضع سازمان ملل در طول دهه‌های بعد همواره به عنوان یک میانجی ضعیف و ناکارآمد بوده است.

ب) عملکرد ضعیف در قبال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ زمانی که تجهیزات نظامی رژیم بهت عراق به داخل مرزهای رژیم نوپای جمهوری اسلامی ایران اقدام به تجاوز کردند و شهرها و فرودگاه‌های ایران را بمباران نمودند شورای امنیت پس از مدتی قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که در آن هیچ اشاره‌ای به محکومیت متجاوز و اقدام علیه وی نشده بود بلکه در آن فقط طرفین به خویشتن‌داری دعوت شده بودند! پس از این تا دو سال این سازمان هیچ قطعنامه‌ای را صادر نکرد سپس در ژولای ۱۹۸۲ قطعنامه ۵۱۴ را به تصویب رساند که باز در آن اشاره‌ای به محکومیت متجاوز نشده بود تنها در سال ۱۹۸۵ با اصرارهای مکرر ایران، سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۵۹۸ در آن بندی را گنجاند که از دبیر کل سازمان ملل خواسته می‌شد تا یک شخصیت بی‌طرف مأمور بررسی چگونگی شروع جنگ و گزارش آن به شورا گردد. بنابراین در این جنگ نیز سازمان ملل متحد با نفوذ قدرتهای استکباری عملاً به جانبداری آشکار از متجاوز (رژیم صدام) پرداخت این در حالی است که در قضیه تجاوز این رژیم به خاک کویت در اگوست ۱۹۹۰ و اشغال آن کشور، سازمان ملل به خواست قدرتهای استکباری و در راس آنان دولت ایالات متحده آمریکا عکس‌العمل بی سابقه و منحصر به فردی از خود نشان داد و در کمتر از چند ساعت در حالی که نیروهای عراقی مواضع خود در کویت را هنوز کاملاً تثبیت نکرده بودند، با قاطعانه‌ترین لحن در قالب قطعنامه ۶۶۰ در ۲ آگوست ۱۹۹۰ اقدام دولت متجاوز عراق محکوم گردید و خواستار خروج فوری و بی قید و شرط عراق از کویت شد. در این قطعنامه که با حمایت قدرتهای استکباری به تصویب رسید در همان ساعات اولیه تجاوز، از اقدام همان رژیمی که ۱۰ سال قبل از آن تاریخ به ایران حمله کرده بود و تا

سالها بعد از جنگ هم از معرفی کردن آن به عنوان متجاوز ابا می‌کرد، متجاوز و اشغالگر معرفی شد و پس از آن با صدور ده‌ها قطعنامه دیگر که در فاصله‌های زمانی اندک به تصویب رسید، زمینه را برای حمله متحدین علیه عراق آماده ساخت. این مسائل حاکی از آن است که مواضع و اقدامات سازمان‌های بین‌المللی و در راس آنها سازمان ملل متحد نه بر پایه عدالت که بر اساس منافع قدرتهای استکباری می‌باشد. از این رو آیت‌الله خامنه‌ای تصمیمات و عملکرد سازمان ملل را در راستای اهداف قدرتهای بزرگ توصیف و در مورد عملکرد ضعیف این سازمان می‌فرماید:

سازمان ملل برای ملتها چه کرده و امروز چه می‌کند؟ در کدامیک از مسائل اساسی ملتها و مصیبت‌های بزرگ سازمان ملل توانسته یک نقش فعالی ایفا کند؟ در کجا سازمان ملل علیه ستمگران به یاری مظلومان شتافته؟ کی سازمان ملل توانسته قدرتهای بزرگ و ستمگر را وادار کند که از زورگویی دست بردارند؟ سازمان ملل حتی از بسیاری از دولتها و ملتها هم عقب‌تر است.^۱

در نهایت ایشان با وجود ناتوانی و نارسایی سازمان ملل در جهان امروز، آن را به کلی رد نمی‌کند؛ بلکه خواستار تحول و اصلاح در آن است:

احساس می‌کنیم که برجسته‌ترین محصول تلاش‌هایی که بنام حقوق بشر انجام گرفته یعنی سازمان ملل یک عنصر بی‌خاصیت و بی‌فایده و در حقیقت یک دلخوش‌کنی برای ملت‌هاست. در حالی که در واقعیت و در عمل هیچ تأثیری برای آنها ندارد و با دخالت قدرتهای بزرگ در حقیقت به صورت طیول این قدرتها هم در مواردی عمل می‌کند. البته ما سازمان ملل را رد نمی‌کنیم معتقدیم این سازمان باید باشد و باید اصلاح بشود. خود ما هم عضو هستیم لکن حرف من این است که بعد از آن همه تلاش و آن همه جنجال و آن همه امید بستن به یک سازمان شما می‌بینید که این سازمان چقدر در دنیای امروز ما و در تأمین حقوق بشر ناتوان و نارساست.^۲

۱-۲-۱. سازمان همکاری اسلامی

یکی دیگر از سازمان‌های بین‌المللی، سازمان همکاری اسلامی (OIC) است. سازمان همکاری اسلامی، دومین سازمان بین‌دولتی پس از سازمان ملل متحد است که با عضویت از ۵۷ کشور به گسترش بیش از چهار قاره است.

در ارزیابی کلی از عملکرد سازمان همکاری اسلامی می‌توان ادعا کرد این سازمان تاکنون قدم‌های قابل توجهی در راستای مصالح امت اسلامی در عرصه بین‌المللی برداشته است. در کنفرانس سران کشورهای اسلامی که

^۱ بیانات در مراسم افتتاحیه پنجمین کنفرانس اندیشه اسلامی، ۶۵/۱۱/۹، ۱۶۹۴۱۰۴۳۸، <https://www.irnaimages.com/media/>

^۲ همان.

در دسامبر ۱۹۹۷ م / آذر ۱۳۷۶ شمسی در تهران برگزار شد، بر اصلاح سازمان ملل، بخصوص شورای امنیت، و نیز جایگاه مؤثرتر و علانیه‌تر مجموعه اعضای «سازمان کنفرانس اسلامی» در بخش‌های سازمان ملل، به ویژه شورای امنیت، تأکید و همچنین مشارکت مؤثر و سازنده کشورهای اسلامی در اداره بین‌المللی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و برقراری نظام نوین جهانی بر اساس برابری، عدالت و ارتقای امور اخلاقی و ارزش‌های الهی ضروری اعلام گردید. یکی از مهم‌ترین اقدامات این سازمان، تدوین «اعلامیه حقوق بشر اسلامی» است که با یک مقدمه و ۲۵ ماده در سال ۱۹۹۰ م / ۱۳۶۹ ش به تصویب رسید. رهبر انقلاب بارها ضمن حمایت کلی از این سازمان و تأکید بر مصلحت حفظ و تقویت آن، تلاش نموده‌اند سیاست‌گذاری‌های سازمان همکاری اسلامی را در راستای مصالح امت اسلامی مورد تأکید قرار داده و حتی خواستار حق وتو برای این سازمان در مقابل حق وتوی پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل نیز شده‌اند:

امروز خروج اشغالگران از عراق و تثبیت حاکمیت ملی در آن کشور، بیرون رفتن نظامیان بیگانه از افغانستان و تأکید بر اسلامیت و استقلال آن کشور، کمک به ملت مظلوم فلسطین و تقویت مادی و معنوی کسانی که به دفاع از جان و مال و عزت و استقلال خود در برابر غاصبان برخاسته‌اند، ترویج شعار دینی و ایمان مذهبی در همه جای دنیای اسلام، نزدیک شدن روزافزون دولت‌های مسلمان به یکدیگر و حل مناقشات آنان با یکدیگر، فعال شدن سازمان کنفرانس اسلامی و پیگیری حق وتوی آن در شورای امنیت سازمان ملل، همه و همه در جهت مصالح امت اسلامی است، پس باید در سیاست‌ها و تلاش‌های همه دولت‌های مسلمان گنجانیده شود و ملت‌ها و نخبگان، آن را از حکومت‌های خود مطالبه کنند.^۱

۱-۳. اتحادیه اروپا

یکی دیگر از سازمان‌های بین‌المللی، اتحادیه اروپاست. اتحادیه اروپا یک اتحادیه سیاسی-اقتصادی متشکل از کشورهای اروپایی است. منشأ اتحادیه اروپا به جامعه اقتصادی اروپا که در سال ۱۹۵۷ با توافقنامه رم بین ۶ کشور اروپایی شکل گرفت و صرفاً یک اتحادیه اقتصادی بود بازمی‌گردد. از آن تاریخ با اضافه شدن اعضای جدید، اتحادیه اروپا وسعت بیشتری یافت. در سال ۱۹۹۳ میلادی، توافق ماستریخت چارچوب قانونی کنونی این اتحادیه را پایه‌گذاری کرد. اتحادیه اروپا با ۵۰۰ میلیون شهروند در سال ۱۹۹۹ واحد پول مشترکی به نام یورو را معرفی کرد که تاکنون در کشورهای زیادی جایگزین پول‌های ملی شده است. اتحادیه در حال حاضر بازار واحد مشترکی دارد که مواردی همچون اتحادیه گمرکی، واحد پول -یورو- که تحت اداره بانک مرکزی اروپاست، سیاست مشترک کشاورزی، سیاست مشترک تجارت و سیاست مشترک شیلات را در برمی‌گیرد. سیاست مشترک خارجه و امنیت نیز به عنوان دومین ستون از سه ستون اتحادیه اروپا شکل گرفت. پیمان

^۱ پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۲/۱/۸، ۱۲۲. <https://khl.ink/f/۱۲۲>

شنگن کنترل روادید را لغو کرد، ایست‌های گمرکی نیز در بسیاری از مرزهای داخلی برداشته شد و امکان رفت‌وآمد شهروندان اتحادیه اروپا برای زندگی، مسافرت، کار و سرمایه‌گذاری بیشتر شد. این اتحادیه خود دارای نهادهای گوناگونی است که مهمترین آنها عبارتند از: شورای اروپایی، شورای اتحادیه اروپایی، کمیسیون اروپا، دادگاه اروپا، پارلمان اروپا، بانک مرکزی اروپا و دیوان محاسبات. فعالیت‌های اتحادیه اروپا اکثر سیاست‌های عمومی را تحت پوشش قرار می‌دهد، از سیاست اقتصادی گرفته تا امور خارجه، دفاع، کشاورزی و تجارت. با این حال، گستره قدرت آن در حوزه‌های مختلف بسیار متفاوت است. در برخی حوزه‌ها مانند مسائل پولی، کشاورزی، تجاری، محیط زیست و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، اتحادیه اروپا مانند فدراسیون عمل می‌کند و در دیگر حوزه‌ها از جمله امور خارجه و سیاست خارجی، مانند یک سازمان بین‌المللی ظاهر می‌شود. رهبر انقلاب اسلامی با توجه به تلاش آمریکا جهت ایجاد یک نظام تک قطبی با محوریت خود در نظام بین‌الملل، از موجودیت این اتحادیه و اتحادیه‌های مستقل دیگر حمایت نموده است:

ما از هر چیزی که کمک کند به این که دنیا از حالت تک قطبی خارج بشود علاقه‌مندیم. امریکایی‌ها اصرار دارند که دنیا تک قطبی بماند و فقط هم اروپا نیست. امروز قدرتهای بزرگی در آسیا سر درآورده‌اند و دنیا این جور اداره می‌شود. دنیا نمی‌تواند به صورت یک امپراطوری واحد اداره بشود. ملتها هر کدام حرفی دارند برای گفتن، هدفی دارند، ارزش‌هایی دارند. همه اینها بایستی حق حیات و حق حضور داشته باشند. اگر با این منطق اتحادیه اروپا حرکت کند، بلاشک موفق خواهد شد.^۱

۱-۲. نهادهای اقتصادی و کارتل‌های بین‌المللی

از جمله مهمترین بازیگران دولتی در روابط بین‌الملل، نهادهای اقتصادی بین‌المللی است. امروزه در نظام بین‌الملل سه نهاد عمده اقتصادی بیش از بقیه به ایفای نقش می‌پردازند. جایگاه این نهادها به گونه‌ای است که توانسته‌اند نقش دولتها و یا حتی بیشتر از آن را ایفا کنند، اینان مختصات یک حکومت جهانی را دارند که در خدمت منافع شرکت‌های فراملیتی و نهادهای مالی بین‌المللی است و برنامه‌های اقتصادی اکثریت کشورهای جهان را به ویژه در کشورهای در حال توسعه تنظیم می‌کنند. این نهادها عبارتند از: سازمان تجارت جهانی (WTO)، صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی (WB).

۱-۲-۱. سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی (WTO) یک سازمان بین‌المللی است؛ که هدف خود را تنظیم قوانین جهانی تجارت و حل و فصل اختلافات بین اعضا تعیین نموده است. کشورهای ضعیف با پیوستن به سازمان تجارت جهانی نمی‌توانند استقلال سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کنند؛ از این رو رهبر انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای

^۱ بیانات در دیدار رئیس جمهور اتریش، ۱۳۷۸/۶/۳۰، <https://khl.ink/f/۱۱۴۸۸>.

ضمن اشاره به توصیه‌های لازم در برنامه‌های اقتصادی کشور، درست کردن زیرساختهای لازم پیش از پیوستن به سازمان تجارت جهانی را ضروری می‌دانند:

در برنامه، هضم نشدن در اقتصاد جهانی رعایت شود؛ این را توجه داشته باشید. من یکی دو بار دیگر هم تکرار کردم: پیوستن به سازمان تجارت جهانی از نظر من کاری است مثبت، اما هنگامی که ما زیرساختهای لازم را برای این کار داشته باشیم؛ الان این را نداریم. الان برداشتن تعرفه‌ها و رفتن داخل سازمان تجارت جهانی، یعنی هضم شدن در یک اقتصاد برتر بدون امکان رقابت؛ یعنی کم شدن و غرق شدن؛ یعنی همین تولید داخلی را هم که تا امروز با زحمت و خون دل فراهم شده، از دست دادن و نابود کردن. بله، سازمان تجارت جهانی میدان گسترده‌یی برای فعالیت است اما باید قدرت شنا داشته باشیم. آن روز من گفتم این کار مثل این است که ما یک تیم فوتبال را به مسابقات جام جهانی بفرستیم در حالی که اعضای آن هیچ تمرینی نکرده باشند. نتیجه این کار این است که ما بیست تا گل می‌خوریم و برمی‌گردیم. ما باید آمادگی را فراهم کنیم و عجله هم نداشته باشیم؛ پنج سال دیگر شد، ده سال دیگر شد، دیر نمی‌شود. اول باید زیرساختهای اقتصادی مستحکم بشود و ما خاطر جمع شویم، بعد با خیال راحت و با میل وارد صحنه شویم. الان توصیه هضم شدن در اقتصاد جهانی برای اقتصاد ملی و مستقل ما سم مهلکی خواهد بود.^۱

۱-۲-۲. صندوق بین‌المللی پول

صندوق بین‌المللی پول (IMF) یک سازمان اقتصادی بین‌المللی است که مطابق اساسنامه خود بر اجرای سامانه پولی جهانی نظارت دارد.

نهادهای مالی بین‌المللی همچون سلاخی در دست تروریسم مالی عمل کنند. قربانی چنین وضعیتی همواره کشورهای ضعیف و جهان سوم می‌باشند که به دلیل نیاز به وام‌های نقدی ناگزیرند خود را با سیاست‌های قدرتهای بزرگ هماهنگ سازند. آیت‌الله خامنه‌ای با انتقاد از نظام سرمایه داری غرب و توصیف آن به نظام سرمایه سالاری، بر فساد این نظام از طریق قرار دادن پول و سرمایه به عنوان ابزار فشار بر ضعفا و تحمیل اهداف نامشروع آنها تاکید می‌فرماید و در عین حال اصل سرمایه را به عنوان ابزاری در خدمت رشد عادلانه جامعه مذموم نمی‌داند:

آنچه که در دنیا به عنوان نظام سرمایه‌داری وجود دارد، حقیقت و جوهره‌اش سرمایه‌سالاری است. نفس داشتن سرمایه و به کار انداختن سرمایه برای پیشرفت کشور، چیز بدی نیست؛ چیز ممدوحی است؛ به هیچ وجه مذموم نیست. آنچه که مذموم است، این است که سرمایه و سرمایه‌داری محور

^۱ بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۲/۵/۱۵، <https://khl.ink/f/۳۱۸۶>.

همه تصمیم‌های کلان یک کشور و یک جامعه باشد؛ همه چیز را به سمت خودش بکشد؛ همان بلائی که بر سر بلوک سرمایه‌داری و بلوک غرب آمد، که امروز دارند نتایجش را درو می‌کنند. این حوادثی که امروز در اروپاست، این فشارهای سنگین اقتصادی که دارد به مردم وارد می‌آید، اینها ناشی از ذات نظام سرمایه‌سالاری است؛ همان سرمایه‌داری زالوصفت است، همان سرمایه‌داری مذموم است. اما اینکه نه، کسانی دارای سرمایه باشند، سرمایه را در خدمت رشد جامعه بگذارند - البته سرمایه‌دار سود هم خواهد برد؛ هم آن کار خوب است، هم آن سود حلال است - هیچ اشکالی ندارد. کار اگر چنانچه با ضابطه صحیح انجام بگیرد - که نگاه عدالت‌محور اسلام معطوف به این معناست - هیچ اشکالی ندارد. بنابراین کلمه «سرمایه» و کلمه «سرمایه‌دار» به هیچ وجه چیز مذمومی نیست.^۱

۱-۲-۳. بانک جهانی

یکی دیگر از نهادهای اقتصادی بین‌المللی، «بانک جهانی» (world bank) است که با وجود شباهتها و تفاوت‌هایی که با صندوق بین‌المللی پول (IMF) دارد، می‌توان این دو را مکمل یکدیگر دانست. در واقع می‌توان گفت صندوق بین‌المللی پول بر اساس شرایطی سخت به کشورهای بدهکار پول می‌دهد تا هزینه بازسازی اقتصادی‌اشان تامین شود؛ در حالی که برنامه‌های تعدیل ساختاری بانک جهانی با تکیه بر همین اصول راهنما، مشوق تبعیت و کنار نهادن سیاست‌های داخلی کشورها است، به ویژه سیاست‌هایی که اقدامات حمایتی و یارانه‌ای را ترویج می‌کند. این دو نهاد در چارچوبی عمل می‌کنند که به توافق «واشینگتن» معروف است و هر دو بر آزادسازی بازارها، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و سیاست‌های دیگری که مشوق سرمایه‌گذاری خارجی است، مانند کاهش رسمی ارزش پول رایج و نظارت‌زدایی، تاکید دارند.

شواهد فراوان حاکی از آن است که بانک جهانی با وجود ملزم شدن به بی‌طرفی سیاسی و اقتصادی در امور سیاسی کشورها مداخله می‌نماید. در واقع این بانک در خدمت اهداف سیاسی سهام‌داران خویش است. به عنوان مثال بارها مشاهده گردیده که ایالات متحده آمریکا به عنوان بزرگترین سهام‌دار این بانک، از حق رأی خود جهت عدم پرداخت وام به کشورهایی که از نظر سیاسی با آنها در تعارض است و یا اعطای وام به طرفداران خود استفاده می‌نماید.

اشکال فوق در واقع یکی از اشکالات اساسی اقتصاد حاکم بر روابط بین‌الملل در وضعیت کنونی است که آیت‌الله خامنه‌ای آن را ناشی از محصور بودن نظام اقتصاد جهانی در نظام سلطه می‌داند.^۲ ایشان یکی از راهکارهای رهایی از این وضعیت را تشکیل سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای با مشارکت جدی کشورهای منطقه

^۱ بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶، <https://khl.ink/f/۲۰۶۸۶>.

^۲ بیانات در مراسم افتتاحیه پنجمین کنفرانس اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰/۱۱/۹، <https://www.irnaimages.com/media/۱۶۹۴۱۰۴۳۸>.

در آنها جهت کاهش وابستگی به نهادهای اقتصادی بین‌المللی تحت سلطه می‌داند. از جمله این سازمان‌ها که جمهوری اسلامی ایران نیز نقش مهمی در تاسیس آن داشته است، سازمان همکاری‌های اقتصادی «اگو» می‌باشد. آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر همکاری مشترک کشورهای منطقه در این گونه سازمان‌های منطقه‌ای می‌فرماید:

اگر اگو را ما جدی بگیریم، فعالیت کنیم، برای همه کشورهای عضو خوب خواهد بود. امروز کشورهای مختلف دنیا در بخش‌های مختلف، به بهانه‌های گوناگونی گرد هم جمع می‌شوند و واحدهای اقتصادی تشکیل می‌دهند. ما مشترکاتمان از خیلی از این واحدهای اقتصادی با همدیگر بیشتر است. خاصیت شرکتهای نزدیک کشورها با همدیگر این است که بطور متقابل به هم کمک بکنند. البته ما با اشتراک منافع اقتصادی هر کشوری با کشور دیگری داشته باشد مخالفتی نداریم. منتهی کسی که از راه دور می‌آید، منافع خیلی محدودی در این جا دارد و عمدتاً منافع متقابل ندارد. کشورهایی که با هم نزدیک هستند، منافع متقابل دارند. این همکاری‌ها را جدی‌تر بگیرید.^۱

ایشان در جایی دیگر با تأکید بر نقش اگو در ثبات و رشد و توسعه منطقه می‌فرماید:

اگو حقیقتاً برای کشورهای عضو اگو، یک فرصت بزرگی است. اگر بتواند ارتباطات فی‌مابین اگو جدی و فراگیر بشود، یقیناً در ثبات این منطقه، در رشد و توسعه این منطقه، تأثیر خواهد داشت؛ و برای هر کدام از کشورهای منطقه به نحوی، این فوائد بزرگی دارد؛ ... لذاست که ما بر روی جدی شدن و فراگیر شدن و فعال شدن اگو خیلی تکیه داریم.^۲

۴-۲-۱. کارتل‌های اقتصادی

کارتل‌های اقتصادی بین‌المللی به شرکت‌هایی گفته می‌شود که با حفظ استقلال مالی و حقوقی خود با یکدیگر متحد شده در یک رشته خاص فعالیت می‌کنند. این شرکتها با هدف کسب منافع بیشتر، در مورد تقسیم بازار میان خود و حجم تولید و قیمت کالا با یکدیگر به توافق می‌رسند. هدف کارتل‌ها در واقع تسلط بر بازار یک کالای خاص از طریق ایجاد انحصار و تضعیف یا از بین بردن رقابت در بازار آن کالا است. یکی از معروف‌ترین و تاثیرگذارترین کارتل‌های بین‌المللی که با مشارکت دولتها بوجود آمده است، «سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)» می‌باشد. این کارتل بین‌المللی با کنترل تولید و صادرات اعضای خود توانسته است تاثیر مهمی بر قیمت نفت در جهان داشته باشد. سازمان کشورهای صادرکننده نفت؛ اوپک (OPEC)، یک کارتل بین‌المللی نفتی است که متشکل از کشورهای الجزایر، ایران، عراق، کویت، لیبی، نیجریه، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اکوادور، آنگولا و ونزوئلا است.

^۱ بیانات در دیدار رئیس جمهور قزاقستان، ۱۳۷۸/۷/۱۴، <https://khl.ink/f/۲۳۸۲۳>.

^۲ بیانات در دیدار سران اگو، ۱۳۷۹/۳/۲۱، <https://khl.ink/f/۱۱۵۱۳>.

در حال حاضر که کشورهای عضو اوپک قریب به دوسوم ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارند، مسلماً خواهد توانست تأثیرات مثبتی در اعاده این حقوق داشته باشد؛ اما یکی از اشکالات اساسی اوپک این است که برخی از دولتهای عضو این سازمان مانند عربستان سعودی به دلیل وابستگی به قدرت‌های خارجی، با سایر اعضای این سازمان هماهنگی کامل ندارند. این کشورها به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی ایران، به جای توجه به منافع کشورهای دارنده نفت، ملاحظه منافع قدرت‌ها و کمپانی‌های غربی را دارند:

برای خاطر این که مصالح آنها تأمین بشود. دستور شرکت‌های خارجی و کمپانی‌های بزرگ این است که باید این ماده حیاتی که امروز تمدن بشری متوقف به نفت است، به همین نفتی که مال ماست که اگر این نفت ما نباشد، تمام این چرخ‌های بزرگ صنعت عالم خواهد ایستاد از کار؛ تمام این شهرها خاموش خواهد شد. نفت این است دیگر. نفت هم قسمت عمده‌اش این جاست، در این منطقه خلیج فارس و خاورمیانه است. هرچه که آنها بخواهند، بعضی از این آقایانی که در اوپک هستند، همان را عمل می‌کنند. ملاحظه خودشان را نمی‌کنند.^۱

در مجموع اشکال اساسی آیت‌الله خامنه‌ای به نهادهای اقتصادی بین‌المللی، به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران در نظام بین‌الملل، سلطه و نفوذ قدرت‌های استکباری جهان بر آنها است. از این طریق، کشورهای ضعیف خواسته یا ناخواسته تحت سلطه و نفوذ قدرت‌های سلطه‌گر قرار گرفته و عملاً اختیار اقتصاد ملی خویش را به آنها واگذار می‌نمایند.

۱-۳. مراجع و نهادهای حقوقی بین‌المللی

نهادهای حقوقی بین‌المللی به شکل‌های جمعی با قواعد تأسیسی اطلاق می‌شود که بر اساس حقوق بین‌الملل ایجاد شده‌اند. امروزه مهمترین مرجع قضائی بین‌المللی دیوان بین‌المللی دادگستری (لاهی) می‌باشد که طبق اساسنامه آن، از صلاحیت تفسیر معاهدات و تفسیر منشور ملل متحد برخوردار است. تاکنون دوبار جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده در دیوان اقامه دعوی نموده که عملاً نتیجه قابل قبولی در پی نداشته است: مورد اول مربوط به سانحه هوایی ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ در حمله ناو آمریکایی به هواپیمای مسافری ایرباس و کشته شدن نزدیک به ۳۰۰ نفر از مسافران بود و مورد دوم، مربوط به قضیه حمله ایالات متحده به سکوهای نفتی کشورمان در خلیج فارس در اواخر جنگ تحمیلی می‌باشد که دادگاه حق دریافت غرامت از سوی ایران را رد کرد. این در حالی است که حتی اگر دادگاه لاهی نیز آمریکا را محکوم می‌کرد به دلیل برخورداری آن کشور از حق وتو در شورای امنیت، باز امیدی به اجرای عدالت در مورد جمهوری اسلامی ایران وجود نداشت.

یکی دیگر از سازمان‌های حقوقی بین‌المللی سازمان حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌باشد. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد (United Nations Human Rights Council) یکی از نهادهای بین‌دولتی سازمان ملل و از ارکان فرعی مجمع عمومی ملل متحد است که وظیفه آن نشان دادن موارد نقض حقوق بشر توسط دولتها

^۱ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۵/۱۰/۲۸، <https://khl.ink/f/۷۶۸>.

می‌باشد. بیشترین توجه این نهاد حقوقی بین‌المللی به وضعیت حقوق بشر در کشورهای است که مخالف سیاست قدرتهای استکباری به ویژه آمریکا در جهان می‌باشند و حتی اگر در مواردی توجهی نیز به نقض آشکار حقوق بشر توسط دولتهای حامی آمریکا داشته باشد که منجر به صدور قطعنامه‌ای گردد، باز به دلیل برخورد با سد محکم حق وتوی آمریکا بی اثر خواهد بود. به عنوان مثال از سال‌های ۱۹۵۳ تا ۲۰۱۳م به رغم چشم بستن نهادهای حقوق بشر بر روی بسیاری از جنایات فجیع رژیم اشغالگر قدس علیه مردم فلسطین، کشتار زنان و کودکان و تخریب منازل مسکونی ایشان، اما به دلیل حجم گسترده جنایات و فشارهای بین‌المللی، حدود ۷۰ قطعنامه علیه جنایات اسرائیل در سازمان ملل تصویب شده است. اما آمریکا بدون هیچ گونه احساس مسئولیتی در قبال این جنایات و قطعنامه‌های صادره علیه آن، به حمایت بی دریغ خویش از این رژیم ادامه داده و هر ساله میلیاردها دلار به اسرائیل کمک کرده است. با توجه به این، آیت‌الله خامنه‌ای اشکال اساسی سازمان‌های حقوق بشری دنیای امروز را نفوذ نظام سلطه در آنها می‌داند:

علت این است که آنچه که به عنوان حقوق بشر به دنیا عرضه شد و امروز هم دارد عرضه می‌شود در چهارچوب یک نظام معوج و غلط ارائه می‌شود و قرار دارد و آن نظام معوج و غلط عبارت است از نظام سلطه، نظام ظلم و انظلام. هم آن کسانی که سازمان ملل و اعلامیه حقوق بشر را بوجود آوردند و هم کسانی که امروز بیشترین طرفداری را از او می‌کنند و بیشترین شعار را می‌دهند و متأسفانه بیشتر زمامداران دنیا و سیاسیون دنیا امروز معتقد به نظام سلطه‌اند و نظام سلطه را پذیرفتند. ... این بزرگترین عیب و اشکال در وضع کنونی جهان است. ... این نظام سلطه بر اقتصاد دنیا حاکم است، بر فرهنگ دنیا حاکم است، بر روابط بین‌المللی و حقوق بین‌الملل دنیا حاکم است. طبعاً مسئله حقوق بشر هم با همین دید و در چهارچوب همین نظام سلطه بوجود آمده و رشد پیدا کرده است.^۱ ایشان با اشاره به برخی از رفتارهای تبعیض آمیز سازمان‌های به اصطلاح حقوق بشری، مهمترین شاهد آن را مربوط به اعمال وحشیانه رژیم صهیونیستی و سکوت این سازمانها در قبال آن می‌داند زیرا تحت نفوذ قدرتهای سلطه گر قرار دارند.^۲ این سازمان‌های تحت نفوذ در حالی به راحتی از کنار نقض آشکار حقوق بشر توسط حامیان قدرتهای غربی عبور می‌کنند که جوامع اسلامی و مسلمانان را به بهانه‌های واهی متهم می‌سازند و در عین حال خود را داعیه‌دار حقوق بشر نیز می‌دانند! آیت‌الله خامنه‌ای با اظهار شگفتی از این ادعا می‌فرماید:

به اعتقاد ما ظریف‌ترین و دقیق‌ترین نمونه‌های حقوق بشر در اسلام است. حق حیات، حق آزادی، حق برخورداری از عدالت، حق برخورداری از رفاه و بقیه حقوق اساسی یک جامعه در اسلام قابل تأمین است. از منابع اسلامی می‌شود اینها را استفاده کرد و اسلام دستور او را به مسلمین داده و

^۱ بیانات در مراسم افتتاحیه پنجمین کنفرانس اندیشه اسلامی، ۶۵/۱۱/۹، ۱۶۹۴۱۰۴۳۸، <https://www.irnaimages.com/media/>

^۲ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۹/۱۳، ۵۵۰، <https://khl.ink/f/550>

پیش از اینکه متفکرین غرب به این اصالت‌ها و ارزش‌ها توجه بکنند اسلام انسان‌ها را به آن‌ها متوجه کرده است.^۱

۲. بازیگران غیر دولتی

اصطلاح بازیگران غیردولتی مفهوم گسترده‌ای است برای سازمان‌ها، نهادها و مجامع غیر دولتی در روابط بین‌الملل که از گروه‌های مذهبی، نهادهای مالی و شرکتهای فراملیتی، سازمان‌های جامعه مدنی و مردم‌نهاد، تا حتی گروه‌های غیرقانونی مانند تروریست‌های فراملی و شبکه‌های تبهکارانه را شامل می‌شود:

۲-۱. نهادهای فرهنگی، دینی و مذهبی

یکی از تاثیرگذارترین بازیگران غیردولتی در روابط بین‌الملل، نهادهای دینی-مذهبی و مراکز فرهنگی در جهان می‌باشند. ادیان آسمانی و پیروان مذاهب مختلف در جهان نقش موثری در تحولات بین‌المللی برعهده دارند. به عنوان مثال روحانیت و مرجعیت شیعه در کشورهای ایران و عراق و لبنان در طول سالیان متمادی نقش موثری در جهت‌گیری سیاست‌های دینی در منطقه داشته است.

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تاریخچه و نقش روحانیت شیعه به عنوان یکی از گروه‌های مذهبی شناخته شده در جهان اسلام می‌فرماید:

بیش از هزار سال است که جامعه علمی شیعه و روحانیت شیعه، به طور رسمی در دنیای اسلام مشغول کار است؛ یعنی از دوران آغاز فقاقت تا امروز، در حدود ۱۱ قرن، علمای ما، فقهای ما، شاگردان آنها، مبلغین دین، در مراتب و درجات مختلف تلاش کردند، کار کردند، زحمت کشیدند؛ محصول زحمت آنها هزاران جلد کتاب است، مطلب است، فقه است، تفسیر است، حدیث است، معارف است، فلسفه است، که در اختیار ما هست؛ و نتیجه مهم‌تر کار آنها، میلیون‌ها مسلمان معتقد به اهل بیت و مکتب اهل بیت است که در طول این سنین متمادیه بوده‌اند و زندگی کرده‌اند و عبادت خدا کرده‌اند و کار و تلاش کرده‌اند و رفتند.^۲

از دیدگاه رهبر انقلاب یکی از ویژگی‌های بارز جریان روحانیت شیعه، ایستادگی در برابر قدرتهای جهانی است؛ این ویژگی نقش این گروه مذهبی را در روابط بین‌الملل به ویژه در مواجهه جوامع اسلامی با قدرتهای جهانی تاثیرگذار کرده است: «آزادگی روحانیون و علمای دین و عدم نفوذ قدرتهای داخلی و جهانی در آنان، موجب

^۱ بیانات در مراسم افتتاحیه پنجمین کنفرانس اندیشه اسلامی، ۶۵/۱۱/۹، ۱۶۹۴۱۰۴۳۸، <https://www.irnaimages.com/media/>

^۲ بیانات در جمع مردم استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۷۱/۷/۱۵، ۲۶۳۷، <https://khl.ink/f/>

آن بوده است که قلدران و حکمرانان خودسر، هیچ‌گاه نتوانند این مجموعه ربانی را از سر راه مفسده‌جویی‌ها و خیانت‌های خود بردارند.^۱

۲-۲. کارتل‌ها و شرکت‌های اقتصادی بین‌المللی غیر دولتی

شرکت‌های تجاری و کارتل‌های اقتصادی غیر دولتی از جمله تاثیرگذارترین بازیگران در روابط بین‌الملل، می‌باشند. در طول چند دهه گذشته، انحصارهای چندجانبه بین‌المللی توسط شرکت‌های چندملیتی در تولید اتومبیل، صنایع الکترونیک و کالاهای دیگری که به بازار جهانی عرضه می‌شود، به وجود آمده‌اند. این انحصارها به گونه‌ای است که اقتصادهای ملی به شدت دچار آسیب شده و کشورها عملاً اختیار کالاهای تولیدی خویش را از دست داده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای با ابراز نارضایتی از این وضعیت سلطه شرکت‌ها و کارتل‌های اقتصادی را نه فقط در زمینه اقتصاد بلکه در همه ابعاد از جمله سیاست می‌داند:

اگر کسی در مسائل جهان غرب امروز تأمل کند و مشکلات آنها را مطالعه بکند خیلی روشن خواهد فهمید که رأی اکثریت را و میل اکثریت را هم یک دسته مخصوصی از مردم بوجود می‌آورند. باندهای اقتصادی، باندهای سیاسی در بعضی از کشورها مثل مثلاً آمریکا باندهای قوی صهیونیستی یا وابستگان به تشکیلات گوناگون سیاسی و اقتصادی مختلف؛ اگر ریشه آزادی غربی را بخواهید پیدا کنید ... ریشه این آزادی عبارت است از خواست طبقات ممتاز جامعه، سرمایه‌دارها، صاحبان شرکت‌ها، صاحبان کارتل‌ها و تراست‌های فعال اقتصاد بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی، آنهایی که وقتی لازم می‌دانند که یک فردی بر سر کار بیاید رئیس جمهور بشود تا طرح‌ها و نقشه‌های اقتصادی آنها را پیاده بکند تمام امکاناتشان را صرف می‌کنند و رسانه‌های عمومی را استخدام می‌کنند که در اختیار خودشان هم غالباً هست و به کار می‌اندازند برای این که افکار عمومی را به سمت فلان حزب یا فلان شخص معطوف کنند و رای مردم را سرازیر کنند به سمت آن شخص مورد نظرشان، امروز در عرف سیاست دنیا این یک چیز روشن و شناخته شده‌ای است که در آمریکا اگر کسی با کمپانی‌های بزرگ و با باندهای اقتصادی معروف و قوی در بیافتد آینده سیاسی او به خطر خواهد افتاد. حزب او در انتخاب پیروز نمی‌شود. خود او سرکار نمی‌آید. اگر سرکار آمد بر خلاف خواسته‌های آنها عمل کرد او را از اریکه قدرت به زیر می‌آورند یا ترور می‌کنند.^۲

^۱ پیام به مناسبت اولین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹/۳/۱۰، <https://khl.ink/f/۲۳۱۶>.

^۲ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹، <https://khl.ink/f/۲۱۴۸۸>.

۲-۳. گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی

یکی از مهم‌ترین گروه‌های تاثیرگذار در روابط بین‌الملل، گروه‌های تروریستی و شبکه‌های تبهکارانه می‌باشند که تحت تاثیر عوامل گوناگون تاسیس و تقویت گردیده و به افزایش تحرکات خود می‌پردازند. این گروه‌ها با ساختار پیچیده خود، امروزه به یکی از بازیگران برجسته پهنه بین‌المللی تبدیل شده‌اند.

قدرت‌های استکباری از یکسو خود از عوامل اصلی به وجود آمدن جریان‌های تروریستی در جهان اسلام بوده‌اند، و از سوی دیگر همواره به بهانه مقابله با تروریسم، اقدام به مداخلات سیاسی و نظامی در کشورهای اسلامی نموده و ناامنی و خشونت بیشتر را برای این مناطق به ارمغان آورده‌اند. در این زمینه گروه‌های تروریستی عملاً به ابزار دست بیگانگان و پیاده نظام آنان تبدیل می‌شوند و این بزرگترین تهدیدی است که آنان برای جهان اسلام به وجود می‌آورند. رهبر معظم انقلاب اسلامی، با اشاره به گروه‌های تروریستی تکفیری به عنوان ابزار دست سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه، آن را یکی از مهم‌ترین مصادیق تهدید نرم از ناحیه جریان‌های تکفیری دانسته و با افشای واقعیت این ماجرا می‌فرماید: «سرویس‌های جاسوسی امریکا و اسرائیل پشت سر این گروه‌های افراطی و تکفیری هستند، ولو عوامل و پیاده نظامشان هم خبری ندارند که پشت سر قضیه چیست؛ اما رؤسایشان می‌دانند.»^۱ با توجه به این، آیت‌الله خامنه‌ای منشاء اصلی رواج تروریسم و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی را قدرت‌های غربی دانسته و از این رو ادعای مبارزه با تروریسم توسط آنان را دروغ می‌داند:

کاملاً واضح است که وقتی دولتی مثل امریکا یا بعضی از کشورهای اروپایی، از گروهک‌های تروریستی که دستشان به خون احاد ملت آغشته است، حمایت می‌کنند و آنها را در کشورهای خود راه می‌دهند و پناهنده سیاسی قلمداد می‌کنند، نمی‌توانند در ادعای مبارزه با تروریسم صادق باشند. اینها مروج تروریسم هستند و تروریست‌ها را برای تحقق مقاصد شوم خود، در دامن خویش تربیت می‌کنند.^۲

بدین ترتیب طرح مبارزه با تروریسم و گروه‌های تروریستی توسط قدرت‌های غربی، در واقع بهانه‌ای برای رسیدن به اغراض سیاسی و اقتصادی توسط این قدرت‌هاست.

^۱ بیانات در دیدار مردم قم در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۵/۱۰/۱۸، <https://khl.ink/f/۲۳۷۴>.

^۲ بیانات در دیدار جمعی از مسئولین، قضات و کارکنان قوه قضائیه در سالگرد شهدای هفتم تیر، ۱۳۷۷/۴/۷، <https://khl.ink/f/۲۱۱۷>.

فصل چهارم: قدرت در روابط بین الملل

قدرت از مباحث محوری علم سیاست و روابط بین‌الملل می‌باشد. امروزه مهم‌ترین حوزه کاربرد قدرت، عرصه بین‌الملل می‌باشد؛ بطوریکه نظام بین‌الملل را می‌توان نهادی حاصل از نبرد قدرت در روابط بین‌الملل توصیف نمود. نبرد و تعامل قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی در روابط کشورها و بازیگران صحنه جهانی از معمول‌ترین رویدادها در روابط بین‌الملل به شمار می‌آید. زیرا هر دولت و ملتی در روابط بین‌الملل برای استمرار حیات خویش و برقراری رابطه کارآمد با سایر دولت‌ها باید سطح مؤثری از قدرت را دارا باشد؛ این امر تا حد زیادی باعث گردیده که مقوله قدرت در روابط بین‌الملل از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار گردد. در سیاست بین‌الملل، قدرت هر کشور تعیین کننده گستره منافع ملی آن می‌باشد؛ بطوری که دولت‌ها با توجه به میزان قدرت خویش، گستره منافع ملی خود را تعریف می‌کنند. یک دولت هر چه قدرتمندتر باشد، دارای پهنه منافع ملی گسترده‌تر و وسیع‌تری است، تا آنجا که ممکن است قلمرو آن را در سراسر جهان معرفی کند؛ در حالی که حوزه منافع کشورهای ضعیف ممکن است از سرزمین‌های همجوارشان هم تجاوز نکند. بر همین اساس ابرقدرتها با تکیه بر عوامل قدرت آفرین خود، ادعای قلمرو منافع خویش در دورترین نقاط جهان دارند. به همین دلیل همه ادیان آسمانی و انبیای الهی، کسب قدرت را برای رسیدن ملتها به آزادی و استقلال و تحقق اهداف الهی در جهان ضروری می‌دانند:

قدرت لازم است، قدرت سیاسی لازم است. بنابراین بعثتها (انبیا)، همراه هستند هم با یک قدرت سیاسی بزرگ و هم با یک برنامه‌ریزی وسیع برای تحقق این اهداف... پیغمبر اکرم و همه پیغمبران - نبی مکرم اسلام و قبل از او پیامبران دیگر - مدیران و فرماندهانی هستند که موظفند حکمرانی دینی و الهی در جامعه را که محصول بعثت پیغمبران است و با کتاب الهی ارائه می‌شود، اجرا کنند و این را تحقق ببخشند... آیه معروف «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ» که در سوره انفال است، بعد دارد که «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»؛ (انفال: ۶۰) این قوت ایجاد کردن، اقتدار ایجاد کردن، سلاح تولید کردن و خود را قدرتمند کردن، برای این است که «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ»، دشمن را بترسانید.^۱

۱. عوامل و عناصر قدرت در روابط بین‌الملل

با توجه به منابع قدرت در روابط بین‌الملل می‌توان میان عوامل مادی و معنوی قدرت تفکیک نمود. قدرت مادی با اتکا به توانایی‌ها و امکانات مادی تجلی می‌یابد در حالی که منبع قدرت معنوی، توانایی‌ها و امکانات

^۱ بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱، ۴۷۵۱۰، <https://khl.ink/f/۴۷۵۱۰>.

غیر مادی است. قدرت مادی در مقایسه با قدرت معنوی دارای کاستی‌ها و نواقص آشکاری است این قدرت هرچند گسترده و بزرگ نیز باشد نمی‌تواند به تمام نیازهای انسان‌ها جامه عمل پوشانده و دسترسی به اهداف مشخص را تضمین نماید. به عنوان مثال ایالات متحده آمریکا در جنگ ۲۰۰۳م علیه عراق (جنگ دوم خلیج فارس) به ظاهر در اوج قدرت مادی قرار داشت؛ در آن زمان بر اساس آمارهای رسمی یک سوم اقتصاد جهان در اختیار این کشور بود، سهم هزینه‌های نظامی آمریکا بیش از هزینه‌های دوازده کشور بزرگ برآورد می‌شد و... اما این همه قدرت مادی آمریکا را به اهداف نهایی‌اش در این جنگ نرساند. آمریکا در دشمنی بلندمدت با جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب نیز به رغم برخورداری از قدرت مادی فراوان نتوانسته است به اهداف خود برسد زیرا متکی به قدرت معنوی بوده است. مهمترین دلیل ناکامی قدرتهای مادی، بی‌توجهی به قدرت معنوی و الهی است؛ غرب با وجود قدرت مادی فوق‌العاده خود به دلیل بی‌توجهی به بُعد معنوی انسان‌ها نتوانسته است جایگاه مطمئنی برای خود در میان ملت‌ها پیدا کند. آیت‌الله خامنه‌ای ضمن توجه به قدرت مادی اما با تاکید بیشتر بر عناصر معنوی اقتدار می‌فرماید:

ما تکیه می‌کنیم بر روی عناصر معنوی اقتدار. اصلی‌ترین عنصر اقتدار معنوی، ایمان است؛ ایمان به خدا، توکل به خدا، حسن‌ظن به خدا. این است که دل را آماده می‌کند برای ورود در میدان‌های دشوار؛ این است که گام‌ها را استوار می‌کند برای پیمودن جاده‌های سخت؛ این است که مشکلات را در چشم‌ها کوچک می‌کند، هدف‌های بزرگ را در اختیار انسان می‌گذارد و در مد نظر او و نگاه او قرار می‌دهد؛ ایمان به خدا. بدون این ایمان، انسان یک قالب مادی است. دل‌ها از عشق به خدا و عشق به معنویت و فضیلت، در آنچنان مجموعه‌هایی که ایمان به خدا ندارند، نمی‌تپد؛ اقتدار هم به معنای حقیقی کلمه به دست نمی‌آید.^۱

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای قدرت وابسته به تکنولوژی و صنعت غرب، دارای یک اشکال اساسی است که رویکرد اسلامی آن را برنمی‌تابد و آن، گرایش به اومانیسم و دوری از خدامحوری است؛ اشکالی که موجب سلب آرامش روحی انسان مادی‌گرا گردیده است؛ از این رو ایشان تمدن غربی را مورد نقد قرار می‌دهد و معتقد است: «تمدن، پایه‌اش بر صنعت و تکنولوژی و علم نیست؛ پایه اصلی تمدن بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است».^۲

ایشان در عین حال برای مواجهه با قدرت مادی دشمن، بر کسب قدرت مادی و آمادگی نظامی نظام اسلامی نیز تاکید دارد:

^۱ بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر، ۱۳۸۷/۷/۱۴، <https://khl.ink/f/۸۱۶۲>.

^۲ پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی، ۱۳۷۳/۱/۱، <https://khl.ink/f/۲۷۰۷>.

هشت سال تلاش نیروی مهاجم که از سوی همه مراکز قدرت نظامی و پشتیبانی و تسلیحاتی حمایت می‌شد به جایی نرسید و با قدرت نیروهای مسلح و پشتیبانی مردم ما، مرزهای کشور سالم ماند و دشمنان متجاوز ناچار شدند با اعتراف به ناکامی خودشان از مرزهای ما فاصله بگیرند؛ این افتخار بزرگی است... ملتها باید خیلی هوشیار باشند و در تقویت درونی خود بکوشند و نیروهای مسلح سهم عمده‌ای را می‌توانند در این مسؤولیت بزرگ ایفا کنند... مجموعه‌های نظامی است که باید روزبه‌روز توانایی‌های خود را در درون از همه جهت افزایش دهند؛ استحکام سازماندهی، ارتقاء قدرت رزمی، توانایی لازم برای تولید، تهیه، تکمیل و نگهداری تجهیزات، بالا نگهداشتن روحیه مسؤولیت نظامی و همه چیزهای دیگری که با ابتکار و مدیریت مدیران خوب و مسؤول امکان‌پذیر است.^۱

براین اساس ایشان تقویت قدرت نظامی کشورهای مورد تهدید از سوی قدرتهای سلطه‌گر را از واجبتین واجبه‌ها می‌شناسد:

قدرت نظامی برای کشوری که مورد تهدید قدرتهاست، یکی از واجبتین واجبه‌هاست. امروز این، مخصوص جمهوری اسلامی هم نیست. همه کشورهایی که می‌خواهند از آسیب دخالت قدرتهای بزرگ محفوظ باشند، اولاً باید نظامهای سیاسی آنها متکی به مردم باشد. ثانیاً باید از قدرت نظامی مردمی خودکافی کارآمد برخوردار باشد.^۲

۲. قدرت نامشروع در روابط بین‌الملل

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان قدرت را به دو بخش مشروع و غیر مشروع تقسیم نمود. مشروع بودن یا نبودن قدرت به چگونگی اعمال و به کارگیری آن در جهت کسب منافع بستگی دارد.

در بررسی دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای، از عوامل چندی به عنوان قدرت‌های نامشروع در روابط بین‌الملل می‌توان یاد کرد که قدرتهای سلطه‌گر، نظام‌های استبدادی و گروه‌های خشونت‌طلب افراطی و تروریستی از مهم‌ترین آنها می‌باشند:

^۱ بیانات در بازدید از یگان‌های نمونه نیروی زمینی ارتش، ۱۳۸۱/۸/۲۶، <https://khl.ink/f/۳۱۵۴>.

^۲ بیانات در مانور ذوالفقار (منطقه کوشک نصرت قم)، ۱۳۷۶/۷/۵، <https://khl.ink/f/۲۸۵۶>.

۲-۱. نظام سلطه، استکبار و قدرتهای سلطه‌گر

یکی از اصطلاحات پرکاربرد در بیانات رهبر انقلاب اسلامی، اصطلاح «نظام سلطه استکباری» است. ایشان از این اصطلاح به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل نامشروع قدرت در روابط بین‌الملل نام می‌برند. آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین مفهوم «استکبار»، آن را با «نظام سلطه» یکی می‌داند: «قدرتهای استکباری؛ قدرتهایی که حیاتشان متوقف بر سلطه بر دیگران است، دخالت در امور دیگران، در اختیار گرفتن منابع مالی و حیاتی دیگران؛ این‌ها استکبارند؛ یا به تعبیر دیگری، سرمداران نظام سلطه».^۱ بر اساس این تعریف، استکبار، یک وصف ذاتی و درونی است که لوازم و مظاهر مختلفی را می‌تواند داشته باشد. خود بزرگ‌بینی و نشاختن حد خود در مقابل خداوند و مردم و به استضعاف کشیدن انسانها، از اوصاف درونی هستند که فرد مستکبر به آن متصف می‌گردد. رهبر انقلاب، امروز آمریکا را «اتمّ مصادیق» مفهوم استکبار در روابط بین‌الملل می‌شمارند.^۲

۲-۲. نظام‌های استبدادی و غیر مردمی

آیت‌الله خامنه‌ای یکی از عوامل مهم قدرت نامشروع در نظام بین‌الملل را نظام‌های استبدادی دانسته و آنها را در کنار نظام سلطه استکباری مورد نقد قرار می‌دهد. از نگاه ایشان، استبداد و استکبار دو خطر بزرگ برای بشریت^۳ و از آفت‌های بزرگ حکومتها و خلاف مصالح ملتها به شمار می‌روند:

از آفت‌های بزرگ حکومتها و قدرتهای طول تاریخ استبداد و خودکامگی قدرتمندان و حاکمان و مسؤولان امور اجتماعی بوده است. ... استبداد یعنی پیروی از آراء شخصی‌یی که آمیخته به هواها و هوسها است و کسی که به رأی خود که یقیناً از هواها و هوسهای او یا هواها و هوسهای کسانی که در او مؤثرند خالی نیست تکیه نکند نخواهد توانست مصالح امور انسانهایی را که اداره آنها به دست او سپرده شده است را بفهمد و بطریق اولی نخواهد توانست این مصالح را تأمین کند.^۴

^۱ بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۱۳۹۴/۵/۲۶، <https://khl.ink/f/۳۰۵۲۴>.

^۲ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰، <https://khl.ink/f/۳۰۲۵۵>.

^۳ بیانات رهبر انقلاب اسلامی در مراسم نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۰/۹/۲۵، <https://khl.ink/f/۹۶۶>.

^۴ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۲/۱۱/۱۴، <https://khl.ink/f/۴۶۵۷۱>.

۳. راهکارهای مقابله با قدرت نامشروع در روابط بین‌الملل

برای مقابله با عوامل نامشروع قدرت در روابط بین‌الملل راهکارهای متعددی وجود دارد. آیت‌الله خامنه‌ای موثرترین راهکار برای خنثی نمودن آسیب‌ها و تهدیدات قدرتهای نامشروع به ویژه برای جوامع اسلامی را عمل به تعالیم قرآن کریم و انتقال مفاهیم والای آن به دنیا می‌داند:

اگر معانی بلند قرآن با زبان روز، برای انسان‌ها بیان شود قطعاً تاثیرگذاری بالایی خواهد داشت و زمینه‌ساز پیشرفت واقعی بشریت خواهد شد، زیرا عزت، قدرت، رفاه مادی، تعالی معنوی، گسترش فکر و عقیده، و شادی و آرامش روحی در گرو عمل به قرآن است ... باید با مستحکم‌تر کردن پایه‌های ایمانی خود و آشنایی با زبان نحوه انتقال مفاهیم قرآن به انسان‌ها، این مفاهیم را به دنیا منتقل کنیم ... اگر این مفاهیم منتقل شوند، قرآن، تاثیرگذار اصلی در جهان خواهد شد و قدرتها و سلاح‌های آنها و رژیم صهیونیستی هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.^۱

تعالیم قرآن کریم برای مقابله با تهدیدات قدرتهای نامشروع دارای مفاهیم و آموزه‌های فراوانی است؛ برخی از این مفاهیم را با استناد به دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مورد توجه قرار می‌دهیم:

۳-۱. استحکام ساخت داخلی

تنها چیزی که می‌تواند کشور ایران و نظام اسلامی را حفظ کند، استحکام داخلی و عزم جزم بر دفاع مشروع و منطقی است... بعضی خیال می‌کنند اگر ما بخواهیم به امریکا «نه» بگوییم، باید به اروپا تکیه کنیم! مگر ما وقتی در دوره جنگ، با امریکا مقابل بودیم، به شوروی - که با امریکا دشمن و مخالف هم بود - تکیه کردیم؟ دشمنی شوروی سابق در دوره جنگ، کمتر از امریکا در صحنه عمل نبود... در پیشرفت به سمت هدفهای آرمانی، باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید؛ اساس کار این است. ... باید ساخت قدرت ملی را در درون کشور تقویت کنیم و استحکام ببخشیم.^۲

رهبر انقلاب گرچه ضرورت استحکام ساخت داخلی را برای کشور ایران مثال زده است اما هرگز آن را منحصر در ایران نمی‌داند بلکه مربوط به کل جهان اسلام در برابر دشمنان اسلام و یا حتی سایر ملتها و کشورهای مظلوم و تحت سلطه در برابر نظام‌های سلطه گر می‌داند و لذا ایشان نتیجه می‌گیرد وقتی ملتی دارای استحکام داخلی باشد، با این پشتوانه می‌تواند با همه چالش‌های بین‌المللی مقابله کند و به پیش رود.^۳

^۱ بیانات در جمع حافظان، قاریان و اساتید قرآنی از سراسر کشور، ۱۳۹۵/۳/۱۸، <https://khl.ink/f/۳۳۳۰۹>

^۲ بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۲/۵/۱۵، <https://khl.ink/f/۳۱۸۶> و ۱۳۹۲/۴/۳۰، <https://khl.ink/f/۲۳۱۶۱>

^۳ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان، ۱۳۸۲/۷/۲۲، <https://khl.ink/f/۳۱۹۹>

۲-۳. تجهیز به سلاح علم

یکی از موضوع‌هایی که نمی‌گذارند در کشورهای زیر سلطه رشد کند و بشدت مانع آن می‌شوند، مسأله علم است؛ چون می‌دانند علم ابزار قدرت است. ... به مجردی که آنها به علم رسیدند، از علم به صورت یک ابزار برای اقتدار و کسب ثروت و گسترش سلطه سیاسی و جذب ثروت ملتها و تولید ثروت برای خودشان استفاده کردند و از آن ثروت باز تولید علم کردند و علم را بالا بردند و دانش خودشان را رشد دادند. آنها می‌دانند که علم چقدر در قدرت بخشیدن به یک ملت و به یک کشور، تأثیر دارد، لذاست که اگر بخواهند نظام سلطه؛ یعنی رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر باقی بماند و حاکم بر نظم جهانی باشد، باید نگذارند آن بخشی که آنها مایلند سلطه‌پذیر باشند، دارای علم شوند؛ این یک استراتژی است که پروبرگرد ندارد و الان رفتارشان هم در دنیا بر همین منوال است؛ لذا باید برای کسب علم و تحقیق جهاد کرد؛ باید کار کرد.^۱

۳-۳. دشمن‌شناسی

خطرناک‌ترین و خبیث‌ترین تروریست‌های این منطقه صهیونیست‌ها هستند؛ ما با صهیونیست‌ها مواجه‌ایم و مقابلیم. به ما می‌گویند ایران از تروریسم حمایت می‌کند! شما از تروریسم حمایت می‌کنید؛ آمریکا حامی دولت تروریستی صهیونیست است؛ آمریکا داعش را بوجود آورد؛ آمریکا داعش را حمایت کرد؛ ... کشورهای منطقه مراقب باشند؛ سیاست دشمنان این منطقه و دشمنان این مجموعه اسلامی، ترساندن این کشورها از همدیگر است، دشمن موهوم درست کنند و دشمن اصلی را که استکبار است، کمپانی‌های متجاوز و متعدی و وابستگان آنها هستند، صهیونیست است در حاشیه نگهدارند. دشمن موهوم درست کنند؛ ایران در مقابل عرب، فلان قومیت در مقابل فلان قومیت دیگر، شیعه در مقابل سنی؛ اینها سیاستهای دشمنان است؛ ... ما باید بیدار باشیم. برادران عزیز، ملت عزیز ایران، امت بزرگ اسلامی، زمام‌داران کشورها! ... امروز سیاست‌های خباثت‌آلود استکبار در منطقه ما ایجاد جنگهای نیابتی است؛ برای منافع خودشان، کشورهای منطقه را یا گروه‌هایی در داخل کشورها را تحریک کنند و وادار کنند که به جان هم بیفتند و آنها منافع خودشان را دنبال کنند؛ جیب کمپانی‌های اسلحه‌سازی را پر کنند، سیاستهای اقتصادی اقتصاد نزدیک به ورشکستگی خودشان را ترمیم کنند؛ هدف آنها این است؛ ما باید بیدار باشیم.^۲

رهبر انقلاب عدم شناخت دشمنان واقعی را ناشی از نداشتن بصیرت می‌داند:

^۱ بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۱، <https://khl.ink/f/۳۲۳۶>

^۲ بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۴/۲/۲۶، <https://khl.ink/f/۲۹۷۳۶>

دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به شناختن حقیقی جبهه دشمن امت اسلامی؛ دشمنانمان را بشناسیم، دوستانمان را بشناسیم. گاهی دیده شده است که مجموعه‌ای از ما مسلمان‌ها با دشمنان خودمان هم‌دست شدیم برای زدن دوستان خود، برای زدن برادران خود! ... این ناشی از نداشتن بصیرت است.^۱

۳-۴. تقویت وحدت و همگرایی

مهمترین نیاز دنیای اسلام از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای برای مقابله با تهدیدات دشمنان اسلام، مساله اتحاد و پرهیز از اختلافات جزئی، سلیقه‌ای و عقیدتی است.^۲ در خصوص این راه‌کار، رهبر انقلاب، وحدت را به معنای «تکیه بر مشترکات» دانسته و تأکید می‌کند که مشترکات در بین مسلمانان از موارد اختلافی بیشتر است: «وحدت به معنای تکیه بر مشترکات است. ما مشترکات زیادی داریم؛ میان مسلمانان، مشترکات بیش از موارد اختلافی است؛ روی مشترکات باید تکیه کنند».^۳

از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی ایران آیت‌الله خامنه‌ای، رعایت تعالیم قرآنی فوق، «تمدن نوین اسلامی» را شکل خواهد داد که قدرتمندترین عامل در مواجهه با آسیب‌های قدرت و یا همان جاهلیت مدرن دنیای امروز خواهد بود.^۴

^۱ بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۳/۳/۶، <https://khl.ink/f/۲۶۵۴۲>.

^۲ همان.

^۳ بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۲/۱۰/۲۹، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵۶>.

^۴ بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۸، <https://khl.ink/f/۳۱۷۷۰>.

فصل پنجم: نظام آرمانی در روابط بین الملل

نظام آرمانی مورد نظر رهبر انقلاب در روابط بین‌الملل را در دو مرحله می‌توان مورد توجه قرار داد؛ مرحله اول شکل‌گیری نظم مطلوب جهانی از طریق همگرایی بین‌المللی و تاسیس جامعه بین‌المللی به ویژه در میان کشورهای اسلامی است که ساکنان این جامعه حتی‌المقدور در سایه عدالت و امنیت زندگی کنند. مرحله دوم، نظم مطلوب جهانی از طریق شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و تاسیس حکومت عدالت‌گستر جهانی تحقق می‌یابد.

۱. نظم مطلوب جهانی در چهارچوب همگرایی در روابط بین‌الملل

رهبری جمهوری اسلامی ایران -چه در دوره بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی(ره) و چه در دوره آیت الله خامنه‌ای- به تعامل و همگرایی با کشورها و جامعه جهانی به عنوان یکی از اصول دیپلماسی نظام اسلامی ایران تاکید نموده است. در دوره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، گفتگو با حفظ احترام به حقوق متقابل و بر اساس حسن نیت و همزیستی مسالمت‌آمیز، رویه ارتباطی ایشان در تمام تماس‌ها و ملاقات‌هایی بوده که طی سالیان مسئولیت رهبری، با رهبران و مسئولان دولتی و مردمی جهان داشته‌اند. ملاک ایشان همواره بر مبنای همکاری و همگرایی کشورها و دولتهای منطقه‌ای و سپس جهانی بوده است.^۱ در این رابطه اصل اولیه بر همگرایی و همکاری مسلمانان و نفی بی‌تفاوتی ایشان نسبت به یکدیگر قرار داشته است:

باید مسلمانان در جامعه اسلامی، از حالت بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر خارج بشوند. این که مسلمانها با هم کاری نداشته باشند و هر کسی برای خود، دنیای جداگانه‌یی باشد و کاری به کار مسلمان‌های دیگر نداشته باشد، در اسلام پسندیده نیست ... مسلمان‌ها نسبت به یکدیگر، باید با علاقه و دلسوزی و بدون ذره‌یی بی‌تفاوتی، سروکار داشته باشند.^۲

ایشان در فرازی دیگر همکاری و همگرایی میان مسلمانان را برای مقابله با توطئه‌های دشمنان اسلام ضروری می‌داند:

وظایف مربوط به جامعه و وظایف مربوط به امت اسلامی، امروز متوجه یکایک مسلمانان همه جهان است. امروز دنیای اسلام بیشتر از همیشه احساس نیاز به همگرایی و نزدیکی می‌کند. علت این است که دشمن اسلام و دشمن نظام اسلامی و امت اسلامی چنگ و دندان نشان داده است؛ نه فقط به یک کشور و یک جامعه و جمعی از مسلمانان، بلکه به امت اسلامی. اگرچه ایادی استکبار و سردمداران آنها برای امت اسلامی از پرده بیرون بیفتد، بپوشاند؛ می‌گویند ما با مسلمانها دشمنی نداریم؛ اما این یک جمله، سخن بی‌پشتوانه و بی‌معناست. امروز عمل استکبار، عمل صهیونیسم و امریکا، نقشه‌های آنها - که امروز خیلی هم پوشیده و پنهان نیست - نشان می‌دهد که با اسلام دشمنند، با امت اسلامی دشمنند.^۳

^۱ بیانات در دیدار سران کشورهای عضو اگو، ۱۳۷۹/۳/۲۱، <https://khl.ink/f/۱۱۵۱۳>.

^۲ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۷/۷/۲۸، <https://khl.ink/f/۲۲۰۷>.

^۳ بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵، <https://khl.ink/f/۱۰۰۹>.

۲. نظم مطلوب جهانی در چشم‌انداز تحقق تمدن نوین اسلامی

مرحله دوم در نظام آرمانی مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای در روابط بین‌الملل که به نوعی می‌تواند در تداوم مسیر مرحله اول نیز باشد، مرحله‌ای است که در آن، نظم مطلوب جهانی از طریق شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی به صورت کامل و با تاسیس حکومت عدالت‌گستر جهانی تحقق می‌یابد. آیت‌الله خامنه‌ای در توصیف این دوره می‌فرماید:

تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. بعضی خیال می‌کنند دوران ظهور حضرت بقیه‌الله آخر دنیاست! من عرض می‌کنم دوران ظهور حضرت بقیه‌الله اول دنیاست! اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است، با مانع کمتر یا بدون مانع، با سرعت بیشتر، با فراهم بودن همه امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جاده وسیع، مستقیم و همواری فرض کنیم، همه انبیاء در این چند هزار سال گذشته، آمده‌اند تا بشر را از کوره راهها برسانند به این جاده؛ وقتی به این جاده رسید، سیر تندتر، همه جانبه‌تر، عمومی‌تر، موفق‌تر، بی‌ضایعات یا کم ضایعات‌تر خواهد بود.^۱

ویژگی‌های این نظم نوین در جهان، شکل‌گیری دولت واحد جهانی و تحقق آرزوی دیرین بشری مبنی بر تکامل و پیشرفت همراه با گسترش عدالت، معنویت و کرامت انسانی است. در این شرایط، منافع ملی خاصی وجود ندارد تا به تشدید کشمکش‌های بین‌المللی منجر شود؛ بلکه به دلیل وجود منافع عام و همگانی در دولت جهانی، تقسیم عادلانه رفاه و امنیت برای تمامی جهانیان فراهم گشته و از این رهگذر زمینه‌ها و محمل‌های مخاصمات از بین خواهد رفت.

آیت‌الله خامنه‌ای انقلاب اسلامی ایران را مقدمه تاسیس حکومت جهانی مهدوی (عج) و الگوی کوچکی برای آن حکومت عظیم جهانی و تجدید مضمون بعثت و حکومت پیامبر می‌داند.^۲ ایشان در تبیین این تشابه می‌فرماید:

همه خصوصیات که در ظهور مهدی (علیه‌السلام) هست در یک مقیاس کوچک در انقلاب اسلامی ملت ایران هم هست. در آنجا هم مخاطب حضرت بقیه‌الله همه مردم عالمند؛ ... انقلاب اسلامی ما هم، از آغاز اعلام کرد که مخصوص یک ملت و یک قوم و یک کشور نیست، همچنانی که آن بزرگوار با همه قدرت‌های بزرگ جهان ستیزه می‌کند و در می‌افتد، انقلاب ما هم با دست خالی و فقط با تکیه

^۱ بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم، در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴، <https://khl.ink/f/۲۱۴۵۱>

^۲ بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱، ۱۰۴۷۵۱۰، <https://khl.ink/f/۴۷۵۱۰>

به نیروی ایمان با همه قدرت‌های عظیم جهانی مقابل شد. همان طوری که ظهور حضرت مهدی هم حساب‌های مادی و معمولی را به هم می‌ریزد، انقلاب ما هم همه حساب‌ها را به هم ریخت.^۱

^۱ سیدعلی خامنه‌ای، در مکتب جمعه، ص ۲۵۰، تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۹.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر ذیل پنج فصل، به بررسی روابط بین‌الملل از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای اختصاص یافت. یافته‌ها و نتایج این تحقیق را می‌توان به اختصار در موارد زیر برشمرد:

۱. تحقیق حاضر به بررسی رهیافت اسلامی با محوریت دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره موضوع روابط بین‌الملل و مسائل مربوط به آن، بررسی و نقد روابط بین‌الملل موجود همراه با ارائه وضعیت مطلوب از دیدگاه رهبر انقلاب اختصاص یافت.

۲. مسائل روابط بین‌الملل به شکل امروزی و در قالب یک سیستم اکادمیک و منسجم گرچه محصول قرون اخیر به خصوص دوره پس از جنگ جهانی دوم است؛ اما برخی مسائل آن، نظیر مراودات خارجی و مسائل جنگ و صلح به قدمت تاریخ بشر سابقه دارد. از سوی دیگر؛ در اندیشه اسلامی احکام اسلام دارای دو بخش ثابت و متغیر است: ثابتات آن ناظر به اصول و مبانی کلی رفتار انسان‌ها است که در طول زمان بقا و ماندگاری دارد، اما جنبه متغیر آن از عرف و ضرورت‌های زمانه تاثیر می‌گیرد. بر همین اساس می‌توان روابط بین‌الملل در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای را مجموعه‌ای از مسائل و موضوعات سیاسی در عرصه جهانی دانست که از دو بخش اصول ثابت و متغیر برخوردار می‌باشد. قسمت ثابت آن، بیانگر همان چارچوب کلی سیاستگذاری در اسلام است که خط مشی‌ها و استراتژی‌های کلی روابط میان انسانها و حکومتها در درون آن تنظیم می‌گردد؛ این بخش مبتنی بر آموزه‌های نظری و نظام ارزشی و ایدئولوژی ادیان الهی است که همچون اصول «ظلم‌ستیزی» و یا اصل «التزام و پای‌بندی به پیمان‌های سیاسی»، با گذشت زمان تغییرناپذیرند. عناصر و اصول متغیر در این عرصه نیز ناظر به خط مشی‌هایی است که متناسب با اوضاع و شرایط زمان و مکان تنظیم و تدوین می‌گردند.

۳. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای روابط بین‌الملل موجود در قالب نظام سلطه، مبتنی بر یک قطب سلطه‌گر و تمامیت خواه که خواهان سلطه بر جهان است، تعریف می‌شود. قطب سلطه‌گر و مستکبر به پشتوانه توانایی‌های مادی از جمله توانایی اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی خود، این حق را برای خویش قائل شده تا در امور داخلی ملت‌ها و دولت‌های دیگر دخالت مالکانه نموده و به دنبال حکومت بر جهان باشد. رجوع به بیانات و موضع‌گیری‌های رهبر انقلاب اسلامی در تعاملات خارجی و بین‌المللی می‌تواند ما را به این نتیجه برساند که هسته مرکزی و نقاط کانونی شکل‌گرفته در دکترین سیاسی ایشان، مخالفت با نظام سلطه و تعاملات سلطه‌جویانه قدرتهای استکباری از طریق افزایش اقتدار و استقلال کشورهای اسلامی و در راس آن، تقویت اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران در تعاملات بین‌المللی و جهان اسلام می‌باشد. ایشان در جایگاه رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران و پیشوای امت اسلامی و

جهان اسلام، تعاملات کنونی نظام بین‌الملل و روابط خارجی کشورها و نیز عملکرد سازمانها و نهادهای حقوقی بین‌المللی را به دلیل حاکمیت نظام سلطه، غالباً نادرست و ظالمانه دانسته و ضمن مخالفت در برابر این وضعیت، راه نجات ملت‌ها و رفع مشکلات و گرفتاری‌های موجود را در ضدیت و مقاومت آنها در برابر جریان ظالمانه حاکم از طریق کسب اقتدار و استقلال سیاسی کشورها و حاکمیت اصول روابط بین‌الملل انسانی و اسلامی می‌داند.

۴. امروزه غرب و نظام سرمایه‌داری با اتکاء به قدرت خویش، نظام جهانی را به نهادی حاصل از نبرد قدرت در روابط بین‌الملل تبدیل نموده است. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای قدرت وابسته به تکنولوژی و صنعت غرب، دارای یک اشکال اساسی است که رویکرد اسلامی آن را برنمی‌تابد و آن، گرایش به اومانیزم و دوری از خدامحوری است؛ اشکالی که موجب سلب آرامش روحی انسان مادی‌گرا گردیده و روابط بین‌الملل را نیز تحت تاثیر این قدرت نامشروع قرار داده است. ایشان راه‌هایی ملت‌ها از وضعیت بحرانی کنونی را تجهیز به قدرت معنوی که از مهمترین عناصر آن دین و معنویت می‌باشد، معرفی می‌نماید.

۵. رویکرد نهایی آیت‌الله خامنه‌ای به روابط بین‌الملل، تغییر از وضع موجود به وضع مطلوب همراه با تبیین اصول و راهبردهای لازم جهت رسیدن به این هدف می‌باشد. نظام آرمانی مورد نظر ایشان در روابط بین‌الملل را در دو مرحله جداگانه می‌توان مورد توجه قرار داد؛ مرحله اول شکل‌گیری نظم مطلوب جهانی از طریق همگرایی بین‌المللی حداقل در میان کشورهای اسلامی و در ادامه سایر کشورها از طریق تاسیس جامعه بین‌المللی است که ساکنان این جامعه حتی‌المقدور در سایه عدالت و امنیت زندگی کنند. در مرحله دوم که آن را می‌توان نتیجه مرحله اول و پس از تحقق آن دانست، نظم مطلوب جهانی از طریق شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و تاسیس حکومت عدالت‌گستر جهانی مهدوی تحقق می‌یابد.